

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

شرح حال مؤلف نقد فلسفه داروین و فرزندش مترجم جلد اول
به قلم نتیجه‌اش آیه‌الله حاج شیخ هادی نجفی مد ظله

شرح حال مؤلف

نام - پدر - مادر - ولادت

نام: آقا شیخ محمدرضا نجفی اصفهانی

کنیه: ابوالمجد

پدر: آیه‌الله آقای حاج شیخ محمدحسین نجفی

مادر: علویه رباب بیگم دختر علامه سید محمدعلی آقا مجتهد فرزند سید

صدرالدین عاملی کبیر

ولادت: ایشان در ۲۰ محرم الحرام ۱۲۸۷ در محله «عمار» نجف اشرف واقع

شد.

تحصیلات و اساتید

در نجف اشرف تحصیل را آغاز کرد و نزد اساتید هر فنی تتلمذ نموده، در

سال ۱۲۹۶ در نه سالگی به همراه پدرش به اصفهان هجرت کرد و تحصیل را در

اصفهان ادامه داد. پیش از سال ۱۳۰۱ در سیزده سالگی به همراه پدر و جدش مجدداً به نجف اشرف مهاجرت کرد و تا سال ۱۳۳۳ در نجف اشرف به جدیت مشغول تحصیل و تألیف و تدریس بود. اساتیدش عبارتند از:

۱- علامه سید ابراهیم قزوینی: *نجات العباد و معالم و شرح اللمعة و نحو* را نزد او خواند. خود می‌نویسد: خواندن درس در نزد این استاد قبل از این بود که موی به صورت من بروید.

۲- پدرش مرحوم آیه‌الله حاج شیخ محمدحسین نجفی اصفهانی (۱۲۶۶-۱۳۰۸): قسمتی از *رسائل شیخ اعظم و فصول عموی* شیخ محمدحسین اصفهانی و *تفسیر بیضاوی و تفسیر کشف* را نزد پدر خواند.

۳- آیه‌الله حاج شیخ فتح‌الله شریعت اصفهانی (۱۲۶۶-۱۳۳۹): در نزد ایشان باقیمانده *رسائل شیخ اعظم و فصول* را قرائت نمود و همچنین علم عروض و حدیث را از او بهره برد.

۴- آیه‌الله شیخ محمدکاظم آخوند خراسانی صاحب *کفایة الاصول* (۱۲۵۵-۱۳۲۹): نزد ایشان بحث خارج را در فقه و اصول حاضر شد.

۵- آیه‌الله حاج سید محمدکاظم یزدی صاحب *العروة الوثقی* (۱۲۴۷-۱۳۲۷): نزد ایشان نیز بحث خارج را حاضر شد.

۶- آیه‌الله سید محمد فشارکی اصفهانی (۱۲۵۳-۱۳۱۶): نزد ایشان نیز بحث خارج را حاضر گردید و در کتابش *وقایة الأذهان*^۱ شرح حالی از او را قرار داده است و از ایشان به سیدنا الاستاذ تعبیر می‌کند.

۷- علوم ریاضی را نزد علامه حبیب‌الله عراقی ملقب به ذی الفنون (۱۲۷۸-۱۳۶۷) خواند.

۸- علم حدیث را نیز نزد علامه حاج میرزا حسین نوری صاحب *مستدرک الوسائل* (۱۲۵۴-۱۳۲۰) خواند.

۱. *وقایة الأذهان*، ص ۱۴۳.

شرح حال مؤلف به قلم آیةالله نجفی ۳

- ۹- علامه سید مرتضی کشمیری، متوفی ۱۳۲۳: علوم حدیث را از ایشان بهره برد.
- ۱۰- علامه فقیه حاج آقا رضا همدانی، متوفی ۱۳۲۲، صاحب مصباح الفقیه. بحث خارج فقه را از ایشان بهره برد.
- ۱۱- آخوند ملا حسینقلی همدانی: در رساله /مجدیه از ایشان به استاد تعبیر نموده است، بنابراین این اخلاق و سیر و سلوک را از ایشان فرا گرفته است.
- ۱۲- علامه سید جعفر الحلّی (۱۲۷۷-۱۳۱۵): در ادب و شعر از او بهره برده است.

مشایخ اجازه

مشایخ او در نقل حدیث و روایت عبارتند از:

- ۱- میرزا حسین نوری متوفی ۱۳۲۰ صاحب مستدرک الوسائل که در حائر شریف حسینی علیه السلام به ایشان اجازه داده است؛
- ۲- علامه سید مرتضی کشمیری؛
- ۳- شیخ فتح الله شریعت نمازی اصفهانی معروف به شیخ الشریعة؛
- ۴- علامه سید حسن صدر الکاظمی (۱۲۷۲-۱۳۵۴) در ۱۴ ذی القعدة ۱۳۳۳ق طی تقریظی بر کتاب نجعة المرتاد فی شرح نجاة العباد به ایشان اجازه داده است.
- ۵- علامه سید محمد بن مهدی حلّی قزوینی، متوفی ۱۳۳۵؛
- ۶- علامه سید حسین بن مهدی حلّی قزوینی (۱۲۶۸-۱۳۲۵)؛
- ۷- شیخ محمدباقر بهاری همدانی (۱۲۷۷-۱۳۳۳).

در کلام بزرگان

- ۱- علامه تهرانی در شرح حال مفصل مؤلف، در نقباء البشر گوید: «عالم کبیر وأدیب جلیل وفیلسوف بارع... جدّ فی الاشتغال فی دوری الشباب والکهوة حتی أصاب من کلّ علم حظاً، وفاق کثیراً من أقرانه فی الجامعية والتفنن. فقد برع فی المعقول والمنقول وبرز بین الأعلام متمیزاً بالفضل مشاراً إلیه بالنبوغ والعبقریة، وذلك لتوفر المواهب

والقابلیاتِ عنده، حیث خصه الله بذكاء مُفرط وحافِظَة عَجِیْة واستعداد فطري وعشق للفضل. وقد جعلت منه هذه العوامل إنساناً فذاً وشخصیَّة علمیَّة رصیْنة تلتقی عندها الفضائل. كان مجتهداً فی الفقه، محیطاً بأصوله وفروعه، متبحراً فی الأصول، متقناً لمباحثه ومسائله، متضلّعاً فی الفلسفة، خبيراً بالتفسیر، بارعاً فی الكلام والعلوم الریاضیة. وله فی كلّ ذلك آراء ناضجة ونظریات صائبة. أضف إلى ذلك نبوغه فی الأدب و الشعر؛ فقد ولع بالقریض... وقد كان شأنه فی ذلك شأن مهیار الدیلمی الذی قیل فیهِ: إنّه نظم المعانی الفارسیة فی الألفاظ العربیة...^۱.

۲- آية الله العظمی آقای حاج شیخ عبدالکریم حائری یزدی رحمته الله، مؤسس محترم حوزة علمیة قم، که از دوستان صمیمی و هم‌بحث‌های قدیمی مؤلف محترم است، چند تعبیر و تشبیه در مورد آن بزرگوار دارد که برخی از آنها را صاحب این قلم از اعلام تلامیذ محقق حائری رحمته الله مکرر شنیده است و جهت ثبت در تاریخ یادآور می‌شود:

الف: «آقا شیخ محمدرضا اگر ذی فنون نبود، شیخ مرتضای زمان بود»؛ یعنی: آن بزرگوار در فنون و علوم مختلف متبحر است؛ و اگر هم نبود، فقط فقاہتش با شیخ اعظم انصاری اعلی الله مقامه الشریف قابل قیاس است.

ب: «به اعتقاد من آقای آقا شیخ محمدرضا اوّل فاضل در کره [زمین] است و از او بالاتر نیست...»^۳.

ج: «او شیخ بهائی عصر است»^۴.

تأمل در این بیانات، آن هم از شخصیتی چون آية الله مؤسس حائری یزدی اعلی

۱. نقباء البشر، ج ۲، ص ۷۴۹ و ۷۴۸.

۲. این جمله را مرحوم آية الله امام خمینی رحمته الله از استادشان نقل می‌فرمودند.

۳. ناقل این کلام مقرر آية الله حائری و «عیبة علمه» یعنی آية الله العظمی آقای حاج شیخ محمدعلی اراکی رحمته الله می‌باشد که در مجالستی با حقیر آن را اظهار فرمودند و بعدها مطالب آن جلسه توسط آقای استادی، در کتاب شرح/حوال آية الله العظمی اراکی (۳۳۸-۳۲۹) منتشر شد.

۴. این بیان را نیز مرحوم آية الله آقای سید مصطفی صفائی خوانساری رحمته الله و برخی دیگر از تلامیذ محقق حائری برای راقم نقل فرمودند.

شرح حال مؤلف به قلم آیة الله نجفی ۵

الله مقامه الشریف، دقایق و حقایق فراوانی را برای خواننده محترم آشکار می سازد.

۳- دانشمند فقید، محمدباقر الفت، که ابن عم مؤلف و معاصر وی است، درباره معظم له چنین می نویسد: «آقا شیخ محمدرضا نجفی، یگانه پسر حاج شیخ محمدحسین نجفی، مردی فاضل، ادیب، درس خوانده، با هوش وافر و ذکاء فراوان بود. معلوماتش در علوم شریعت و ریاضیات قدیم و ادبیات عرب و تاریخ و غیرها قابل تقدیر و تمجید است. شعر عربی را خوب می گفت و نثر آن را ادیبانه و مرغوب می نوشت. در سال ۱۳۰۰ به اتفاق پدر و جد بزرگوارش به نجف اشرف مهاجرت [کرد] و تقریباً سی و پنج سال در مشهد شریف مجاورت اختیار نمود و در محیط علوم و ادبیات مرسوم و متداول آنجا تربیت یافت و به فضل و ادب مشهور گردید؛ و در سال ۱۳۳۴ به اصفهان مراجعت [نمود] و متصدی مقام قضاوت شرعی و تدریس فقه و اصول و غیره و اقامه نماز جماعت در مسجد نو واقع در اواسط بازار بزرگ شد؛ و تا اواخر عمرش به این مشاغل اشتغال داشت...»^۱.

۴- صدیق مؤلف، عالم شهیر شیخ محمد سماوی در کتاب شریف الطلیعة من شعراء الشيعة، درباره آن بزرگوار می نویسد: «فاضل تلقی الفضل عن أب فجده، ونشأ بحجر العلم، ولم يكفه ذلك حتى سعى في تحصيله فجده، إلى ذكاء ثاقب، ونظر صائب، وروح خفيفة، وحاشية طبع رقيقة. أتى النجف فارتقى معارج الكمال، وزاحم بمنالك الفضل الرجال حتى بلغ فيه الآمال، وصنّف ما تطيب به النفس، وتجدّ به القلوب أميّتها والأفكار ضالّتها، ونظم فأصاب شاکلة الغرض، ونثر فامتاز جوهر کلامه عن کلّ عرض». ثم ذکر نماذج من نظمته رحمته و ترجمه فقال: «وهو اليوم هناك (أي بأصبهان) أبقاه الله تعالى فإن ببقائه بقاء الكمال والفضل والأدب الغض والقول الفصل»^۲.

۵- عالم بزرگ شیخ علی بن محمدرضا آل کاشف الغطاء در کتاب خود

۱. نسب نامه الفت، ص ۲۲، نسخه خطی.

۲. الطلیعة من شعراء الشيعة، ج ۱، ص ۳۳۵-۳۴۲؛ و در شعراء العری، ج ۴، ص ۴۳ و اعیان الشيعة، ج ۳۲، ص ۲۰ که از الطلیعة همین را نقل می کنند.

الحصون المنیعة درباره مؤلف می‌نویسد: «عالم فاضل فقیه اصولی ریاضی فلسفی شاعر...». و پس از آن بیش از هزار بیت از اشعار مؤلف را نقل می‌کند و در اول آنها قصیده‌ای را که در مرثیت حضرت اباعبدالله الحسین (علیه السلام) سروده‌اند قرار می‌دهد.^۱

۶- فرزندش آیه الله شیخ محمدحسین کاشف الغطاء در کتاب العتبات العنبریه فی الطبقات الجعفریه در مورد ایشان گوید: «هو وحید أقرانه فی جمیع الکمالات، والمحامد، أخي بل مولای و خلیلی، بل سیّدي و سیّد أخلائی، طرف الکمالات والظرف، و درّة أصداف الشرف، مجموعة کلّ کمال، و جامع کلّ فضیلة وإفضال، شعله الفهم والذکاء، وأشعة ذلك السناء، أعجوبة أقرانه ونادرة أخوانه، وأکرومة زمانه، متسع الفضل الذي تضیق عن ختم سعة فضله سعة الفضاء، الشيخ الأفضل الأكمل الأسعد الأمجد الشيخ اغا رضا زاد الله فی معالیه وبلغه أمانیه^۲... وهو سلمه الله مع ما فیہ من أریحیة الطبع، وخفة الروح وکریم الأخلاق، فارسی الآداب، عربي المذاق من الیقین والمعرفة علي مثل ضوء الشمس، ومن الورع والتقوی علی حالة لا یقاس بها قس، وهو اليوم من فضلاء طبقة السیاسیین ومروجی الإسلام بترویج شركة الإسلامیین، وعمره إلى الآن ثلاثة وثلاثون سنة تقریباً...»^۳.

۷- علامه بزرگ سیّد عبدالحسین شرف الدین در مورد مؤلف می‌گوید: «أبالمجد وسورة الحمد، عنوان الفضل والأدب، وحجة العجم فیہ والعرب، الشيخ محمدرضا ویدعی باقا رضا... کان فی اصفهان بعد سلفه کعبة الطائف، وقبلة العاکف قطب هذا البيت الرفیع العباد، وزعیم هذه الأسرة المستطیر مجدّها فی البلاد. لا أعرف منها إلا من عجن من طينة المجد، وغذى بلبان الشرف، ودرج من مهد السیادة، ونشأ فی حجر الحسب، ونجلته آباء أفاضل وامّهات عقائل، لهم المجد المؤثّل والزعامة المعروفة. وللشيخ

۱. الحصون المنیعة، ج ۱، ص ۴۸۹ و ج ۳، ص ۵۳۳ و ج ۹، ص ۲۰۸ نسخه خطی. در أدب الطّف، ج ۹، ص ۲۶۰ و شعراء الغری، ج ۴، ص ۴۳ نیز همین مطلب نقل از الحصون نقل شده است.
۲. رجوع کنید به: مقاله تراجم اعلام بیت الشیخ محمدتقی که از کتاب العتبات العنبریه گرفته شده است در مجموعه مقالات همایش ملی فقیه محقق و اصولی مدّقق علامه آیت الله العظمی محمدتقی ایوانکی رازی نجفی اصفهانی (متوفی ۱۲۴۸ق)، ص ۱۴۵.
۳. همان، ص ۱۴۷.

شرح حال مؤلف به قلم آیتالله نجفی ۷

آقا رضا مع مكانته السامية في الفقه والأول والحكمة وغيرها من العلوم العقلية، حظاً وافراً في الأدب العربي والفارسي نظماً ونثراً. جمع فيه بين فصاحة العرب ودقة العجم، وأشعاره في اللغتين وافرة... وتركته في السنة الثانية والعشرين بعد الألف والثلاثمائة، وله يومئذ خمس وثلاثون من العمر تقريباً؛ فظل يغوص على دقائق العلوم وغوامضها، وينقب عن غرائب الفنون ومخباتها؛ حتى عرج إلى أوج آبائه، وارتفع عن مواقف نظرائه»^۱.

۸- آية الله آقای حاج شیخ محمدعلی غروی اردوبادی که مجاز از مؤلف است، در مشیخه خود به نام *السیل الجدد إلى حلقات السند* چنین می نگارد: «العلامة حجة الاسلام فيلسوف الأمة وفقهها وخطيبها وشاعرها أبوالمجد الشيخ آقا رضا ابن الفقيه الإلهي المحقق الإنسان الكامل الشيخ محمدحسين ابن الشيخ المحقق الأكبر الشيخ محمدالباقر ابن أستاذ المجتهدين الشيخ محمدالتقي صاحب الحاشية على *المعالم*، الأصبهاني النجفي. المعتم بالعلامة صاحب *الفصول [الغروية]* المحقق الشيخ محمدحسين، شقيق صاحب الحاشية. والمخول بآل الشيخ الأكبر كاشف الغطاء، لمكان كريمته تحت الشيخ محمد التقي، جد المترجم له، وبآل السيد صدرالدين العاملي، المحقق الفقيه الأوحد، لمكان كريمته العلوية عند الشيخ محمدالباقر جدّه الأدنى».

أتاه الفخر من هنا وهنا فكان له بمجتمع السيول

پس از آن ده بیت شعر را که در مدح معظم له سروده است، ذکر می کند^۲.

۹- دانشمند فقید میرزا محمدعلی مدرس تبریزی، که مجاز از ایشان است، در *ريحانة الأدب* درباره ایشان می نویسد: «از اجلای علماء عصر حاضر ما که فقیه اصولی، حکیم، متکلم، ریاضی، عروضی، شاعر ماهر و جامع معقول و منقول و فروع و اصول است»^۳.

۱۰- آیتالله آقای سید شهاب الدین مرعشی نجفی رحمته الله که شاگرد و مجاز از

۱. بغية الراغبين، ج ۱، ص ۱۵۷-۱۵۸.

۲. السيل الجدد إلى حلقات السند، ص ۲۴۱ مطبوع در مجله علوم الحديث عدد دوم.

۳. ریحانة الأدب، ج ۷، ص ۲۵۲.

مؤلف به اجازة روايتی و اجتهاد است، از استاد در دو کتاب *الإجازة الكبيرة*^۱ و *المسلسلات*^۲ یاد می‌کنند، ولكن تقریظی را بر نسخه خطی کتاب *السيف الصنيع* لرقاب منکری علم البدیع از تألیفات آن مرحوم در تاریخ ۱۸ شوال سنه ۱۳۵۹، مرقوم می‌فرمایند که قسمتی از آن را برای خوانندگان محترم یادآور می‌شویم. نسخه خطی کتاب و تقریظ - هر دو - نزد حقیر موجود است و به طبع رسید^۳، می‌فرمایند: «السيف الصنيع على رقاب منکري البدیع کتاب للإمام الهمام القدوة الأسوة نابغة العصر ویتيمة الدهر، ربّ الفضائل وکعبتها التي تهوي إليها الأفئدة، ناطورة الفقه، عالم الكتاب والسنة، فقيه الأمة، خريّت الأدب و طائرها الصّيت، شيخ الاجازة ومركز الرواية، الرحلة المسند الثبّت الثبّت، المصنّف المؤلّف المجید المجید، مفسر التفسير، درّة تيجان المحدثين ومقدّم المجتهدين، حجة الاسلام والمسلمين آية الله العظمى بين الوري، شيخنا وأستاذنا الشيخ محمدالرضا أبي المجد الأصفهاني النجفي لازالت بياض الفضل بوجوده مبتهجة ضاحكة مستبشرة...»^۴.

۱۱- دانشمند مورخ، مرحوم معلّم حبیب‌آبادی در این مورد می‌نویسد: «... مرحوم آقا شيخ محمدرضا عليه الرحمة از معاریف علماء و فقهاء اصفهان بود و در علوم ادبیّه و نظم شعر، ربطی به کمال داشت... در اصفهان و نجف تحصیل علوم نموده تا به درجه اجتهاد نائل گردید و برخی از علوم ریاضی را نیز به هم رسانید و شهرتی کافی در عراق عرب فراهم نمود و آنجا به آقا رضا اصفهانی مشهور شد؛ و در اصفهان ریاستی شایسته برایش دست داد و به عنوان آقا رضا مسجدشاهی اشتهاار یافت و کتب چندی تألیف کرد...»^۵.

۱۲- مرحوم سیّد مصلح‌الدین مهدوی رحمته الله که مفصل‌ترین شرح حال مؤلف را

۱. *الإجازة الكبيرة*، ص ۱۸۱، رقم ۲۲۶.

۲. *المسلسلات*، ج ۱، ص ۱۱۰ و ج ۲، ص ۹۹-۸۷.

۳. این نسخه در فهرس مخطوطات مکتبه آية الله نجفی، ص ۲۳۱ معرفی شده است.

۴. *السيف الصنيع* لرقاب منکري علم البدیع، ص ۲۴. همچنین مرحوم مهدوی این تقریظ را در

کتاب *تاریخ علمی و اجتماعی اصفهان در دو قرن اخیر*، ج ۲، ص ۲۳۱ نقل می‌کند.

۵. *مکارم الآثار*، ج ۸، ص ۲۸۰۳.

شرح حال مؤلف به قلم آیةالله نجفی ۹

در بیش از دویست صفحه به نام بیان مجد النبلاء در احوالات شیخ ابوالمجد محمدالرضا در جلد دوم کتابش به نام تاریخ علمی و اجتماعی اصفهان در دو قرن اخیر منتشر نموده است، چنین گوید: «مرحوم آقا شیخ محمدرضا را باید ادیب الفقهاء المحققین، وفقیه الشعراء المدققین، فیلسوف المجتهدین و حکیم الأصولیین، استاد الرياضیین و خلاصه کلام، جامع جمیع فضائل و کمالات نامید که حقاً از مفاخر علمی و ادبی شیعه در قرن اخیر می باشد رحمه الله»^۱

هجرت به کربلا

در سالهای آخر حضور در عتبات عالیات عراق به شهر کربلای معلی هجرت فرمود و در کنار مرقد مطهر اباعبدالله الحسین علیه السلام مجاور گردید. برخی مهاجرتش به کربلا را در سال ۱۳۳۰ق دانسته اند؛ بنابراین تا سال ۱۳۳۳ق که به ایران مهاجرت فرمود، بیش از سه سال در کربلای معلی ساکن بوده اند.

برخی از مراسلات شعری ایشان با دوستانش از آن جمله با مرحوم آیةالله حاج شیخ مصطفی تبریزی متوفی ۱۳۳۷ق که از کربلا انجام گرفته است در دیوان اشعارشان^۲ ضبط گردیده است.

و در پشت جلد اول نسخه مطبوع نقد فلسفه د/روین نیز که در سال ۱۳۳۱ در عراق به چاپ رسیده، بعد از نام مؤلف نوشته شده است: «القائین فی کربلا المعلی». و همچنین در شرح حالی که خود مرقوم فرموده اند، آغاز مهاجرت از عراق به ایران و اصفهان را کربلا ذکر می کنند که در معیت مرحوم آیةالله مؤسس آقای حاج شیخ عبدالکریم حائری یزدی طاب ثراه بوده است. می نویسند: «وكانت من أحسن الأسفار وأجمعها لصنوف السعادات، ومن أهمها صحبة العلامة الوحيد الحاج شيخ عبدالکریم الحائری الیزدی طاب ثراه. وقد ركبنا سيارة واحدة من کربلا إلى سلطان آباد العراق؛ فمكث عليه السلام فيها، وسافرتُ عنها إلى موطن آبائي اصفهان.

۱. تاریخ علمی و اجتماعی اصفهان در دو قرن اخیر، ج ۲، ص ۲۳۲.

۲. دیوان آبی المجد، ص ۵۵ و ۸۰ و ۹۲ و ۱۰۱.

وقد وصلتُ إليها غرةَ محرّم سنة ١٣٣٤ ق...»^١.

تدریس و شاگردان

معظم له از اوائل امر به تدریس اشتغال داشتند. در نجف اشرف ابتدا سطوح و کتبی مانند فصول را تدریس می‌کردند و بعد از آن شروع به تدریس خارج نمودند. این تدریس در نجف اشرف شروع و بعد از مهاجرت به اصفهان در اواخر سال ۱۳۳۳ که در آغاز محرم الحرام ۱۳۳۴ به اصفهان رسیدند در این شهر ادامه دادند. بعد از مهاجرت به قم نیز که قریب یک سال به طول انجامید، به دعوت و امر مرحوم آیه‌الله مؤسس حاج شیخ عبدالکریم حائری یزدی رحمته، همه طلاب در درس ایشان حاضر می‌شدند و محل درس، مدرسه فیضیه در شهر مقدس قم بوده است. پس از بازگشت به اصفهان تا پایان عمر بابرکتش این تدریس ادامه داشت.

آعلام و آیات عظام زیر برخی از کسانی هستند که در سنین متمادی از محضر درس ایشان استفاده کرده‌اند و بعضاً نیز فقط از ایشان مُجازند:

- ۱- میرزا ابوالحسن قُهی، متوفی ۱۳۶۳ ق؛
- ۲- سید احمد حسینی زنجانی؛
- ۳- مرجع عالیقدر سید احمد موسوی خوانساری؛
- ۴- سید اسدالله مستجاب الدعواتی، مجاز به اجازه روایت در تاریخ ۲۵ رمضان ۱۳۴۷، والد حضرت آقای سید مرتضی مستجابی؛
- ۵- حاج شیخ محمدباقر کمره‌ای؛
- ۶- سید محمدباقر آیه‌اللهی^۲ (۱۳۲۲-۱۳۹۹ ق)، به وی در تاریخ ۲۹ محرم الحرام ۱۳۵۱ اجازه داده شده است؛
- ۷- حاج شیخ محمدباقر امینی نطنزی^۳؛

۱. تاریخ علمی و اجتماعی اصفهان در دو قرن اخیر، ج ۲، ص ۴۳۲.
۲. تراجم الرجال، ج ۳، ص ۷۷؛ مشاهیر مدفون در حرم رضوی، ص ۴۸.
۳. مزارات اصفهان، ص ۱۱۷.

شرح حال مؤلف به قلم آیةالله نجفی ۱۱

- ۸- حاج سید ابو تراب مرتضوی درچه‌ای^۱؛
- ۹- شیخ محمدتقی هرنندی صهر آیةالله سید جمال گلپایگانی؛
- ۱۰- حاج شیخ جلال‌الدین آیةاللهی یزدی^۲ (۱۳۰۹-۱۴۱۲ق)؛
- ۱۱- میر سید حسن مدرس هاشمی کتابی به نام نگاه‌ی به احوال و آرای حکیم مدرس اصفهانی، به خامه آقای دکتر علی کرباسی‌زاده در سال ۱۳۸۰ش، در شرح حال وی منتشر شده است؛
- ۱۲- حاج شیخ محمدحسن نجفی‌زاده^۳ فرزند آیةالله حاج شیخ مهدی نجفی، داماد و شاگرد مرحوم ابی‌المجد؛
- ۱۳- حسن صدر اصفهانی^۴ نویسنده و خطیب شهیر مولود ۱۳۲۵ق؛^۵
- ۱۴- سید حسن علوی خوراسگانی؛
- ۱۵- میرزا محمدحسین ابن میرزا رضا رشتی امام جماعت مسجد ذکراالله؛
- ۱۶- میرزا محمدحسین بن علی محمد بن محمدعلی بن عبدالله بن علی‌اکبر اژه‌ای صاحب زیادة المعارف؛
- ۱۷- حاج شیخ حیدرعلی محقق؛
- ۱۸- حاج میرزا خلیل کمره‌ای؛
- ۱۹- شیخ محمدرضا بن محمدتقی فرقانی جرقویه‌ای اصفهانی حائری^۶ (۱۳۰۵-۱۳۹۳ق)، مدفون در کربلا در حجره خاندان شیرازی در صحن حسینی شریف؛
- ۲۰- شیخ محمدرضا حسین‌آبادی جرقویه‌ای اصفهانی؛
- ۲۱- مرجع عالیقدر حاج سید محمدرضا موسوی گلپایگانی؛

۱. همان، ص ۲۰۶.

۲. نگر: مفاخر یزد، ج ۱، ص ۴.

۳. نگر: مقدمه صاحب قلم بر کتاب اساور من ذهب در شرح حال حضرت زینت العالیة.

۴. نگر: ضیاء الأبصار فی ترجمه علماء خونسار، ج ۳، ص ۳۴۳ و زندگی‌نامه رجال و مشاهیر ایران، ج ۳، ص ۱۵۸.

۵. نگر: تاریخ اصفهان، فصل تکایا و مقابر، ص ۳۱۵، تألیف استاد سید جلال همایی.

۶. تراجم الرجال، ج ۳، ص ۲۳۸.

- ۲۲- شیخ محمدرضا دستگردی^۱؛
- ۲۳- حاج شیخ محمدرضا طبسی نجفی؛
- ۲۴- مرجع عالیقدر حاج آقا رضا مدنی کاشانی؛
- ۲۵- شیخ محمدرضا فرزند ملا زین العابدین شریعت طالخونجه‌ای،^۲ متوفی ۱۳۷۳ق؛
- ۲۶- سید محمدرضا ابن الرسول سدهی؛
- ۲۷- امام حاج سید روح‌الله موسوی خمینی؛
- ۲۸- مرجع عالیقدر سید شهاب‌الدین نجفی مرعشی؛
- ۲۹- میرزا صدرالدین ابن میرزا ابوالفضل ابن میرزا ابراهیم ابن ملا محمدعلی محلاتی شیرازی (۱۲۸۴-۱۳۵۹ش)، صاحب کتاب شأن نزول آیات قرآن. مرحوم جدّ در سال ۱۳۴۷ش به وی اجازه روایت و اجتهاد داده است^۳؛
- ۳۰- حاج شیخ عباسعلی ادیب اصفهانی؛
- ۳۱- حاج شیخ عبدالله مجتهدی تبریزی، متوفی شب ۱۸ جمادی الآخر ۱۳۹۶ق در مشهد مقدس و مدفون در حرم امام رضا (ع) و مولود ۱۳۲۰ق از وی کتاب بحران آذربایجان در سال ۱۳۸۱ش در تهران توسط حجة الاسلام رسول جعفریان منتشر شده است؛
- ۳۲- حاج شیخ عزالدین نجفی فرزندشان؛
- ۳۳- مرجع عالیقدر حاج سید علی علامه فانی اصفهانی؛
- ۳۴- سید علی نقی نقوی لکهنوی هندی؛
- ۳۵- میرزا محمدعلی مدرس تبریزی صاحب ریحانة الأدب؛
- ۳۶- حاج شیخ محمدعلی اردوبادی غروی؛
- ۳۷- حاج شیخ مجدالدین نجفی اصفهانی فرزندشان؛
- ۳۸- شیخ محمد بن حاج ناصر بن نمر آل نمر عوامی بحرانی، متوفی ۱۳۴۸ق؛ صاحب أرجوزة الدر النظیم فی معرفة الحادث والتقدیم. وی جامع علوم و فنون و

۱. مزارات اصفهان، ص ۲۱۲.

۲. دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج ۲، ص ۶۲۳ (چاپ اول: ص ۳۳۰، رقم ۵۲۱).

۳. تراجم الرجال، ج ۱، ص ۴۱۶ و رهنمای حق، ج ۱، ص ۳۲ (مجله مدرسه علمیه ولی عصر (عج) شیراز).

شرح حال مؤلف به قلم آیةالله نجفی ۱۳

نابینا بوده و در علم هندسه بر جدّ امجد شاگردی نموده است؛^۱

۳۹- محمد بن طاهر آل فضل، از مرحوم جدّ در دانش ریاضیات بهره برده است؛^۲

۴۰- شیخ محمد سماوی صاحب الطلیعة من شعراء الشيعة؛

۴۱- حاج شیخ محمد یزدی ابن حاج شیخ محمدعلی یزدی، متوفی ۱۳۷۹ق؛

۴۲- میرزا محمد ثقفی طهرانی، صاحب تفسیر روان جاوید در ۵ مجلد؛

۴۳- میرزا محمود مقتدائی خوراسگانی، داماد میرزا جمالالدین کلباسی؛

۴۴- شیخ مرتضی ابن حاج میرزا علی فقیهی خوراسگانی، متوفی ۱۳۷۷ش؛

۴۵- حاج سید مصطفی صفائی حسینی خوانساری؛

۴۶- حاج سید مصطفی مهدوی اصفهانی؛

۴۷- سید مصطفی طباطبائی خوراسگانی؛

۴۸- شیخ موسی زنجانی مؤلف الفهرست لمشاهیر وعلماء زنجان، مولود سال ۱۳۲۸ق؛^۳

۴۹- علویه عالمه حاجیه نصرت بیگم امین معروف به بانوی ایرانی؛

۵۰- سید نورالله بن سلیمان ابطحی سدهی؛

۵۱- سید یحیی مدرسی یزدی (۱۳۲۱-۱۳۸۳ق)، مدرس در نجف اشرف و مجاز

از مرحوم جدّ در روایت و مدفون در مقبره شیخان قم.^۴

مرحوم سید مصلح الدین مهدوی رحمته الله در کتاب گرانقدر تاریخ علمی و اجتماعی اصفهان در دو قرن اخیر، نزدیک به یکصد نفر از تلامیذ ایشان را نام می برد که طالبان می توانند بدان مراجعه کنند. شایان ذکر آنکه بین نامبردگان فوق و کسانی که مرحوم مهدوی نام می برد، عموم و خصوص من وجه است.

۱. الذریعة، ج ۸، ص ۸۵، رقم ۳۰۷؛ و مکارم الآثار، ج ۸، ص ۲۸۰۶.

۲. تکملة أمل الأمل، ج ۴، ص ۵۲۳.

۳. نگر: الفهرست لمشاهیر وعلماء زنجان، ص ۱۶۵.

۴. تراجم الرجال، ج ۴، ص ۵۰.

صورت و سیرت

معظم له دارای قدی کوتاه و صورتی زیبا و جذاب و اخلاقی پسندیده در معاشرت و محاورت بود. تند سخن می‌گفت و با جمله‌هایی کوتاه و رسا، لطیفه‌گو و حاضر جواب و در دوستی و محبت مستقیم و ثابت قدم بود. نسبت به اساتید خود متواضع و همیشه نام آنان را به بزرگی یاد می‌کرد.

از زندگانی خود ناراضی و در مجالس عمومی و خصوصی و حتی جلسات درس و مباحثات نیز این نارضایتی را اظهار می‌کرد و از اوضاع زمان و مردم روزگار نیز شاکی بود.

در موضوع درس و مباحثه بسیار ساعی و کوشا و در رسیدگی به امور مردم اهتمام تام داشت، امر به معروف و نهی از منکر می‌نمود و در این راه از مصادیق آیه شریفه «لَا تَخَافُونَ لَوْمَةَ لَائِمٍ»^۱ بود.

یکی از بزرگ‌ترین خدمات معظم له به عالم اسلام حفظ حوزه علمیه اصفهان در دوره اختناق رضاخانی بود که مجلس درس را تعطیل نکرد و آن را در مسجد یا منزل همواره اداره می‌کرد.

تألیفات

معظم له دارای تصنیفات متعددی در علوم مختلف اسلامی از فقه و اصول و حدیث گرفته تا شعر و عروض و قافیه می‌باشند که ذیلاً به برخی از آنها اشاره می‌شود:

۱- الإجازة الشاملة للسيدة الفاضلة

اجازه حدیثی مفصلی است که برای مرحومه علویه حاجیه خانم امین رحمة الله علیها مرقوم فرموده‌اند و دو مرتبه به چاپ رسیده است: یک بار در آخر کتاب جامع الشتات آن مرحومه و بار دوم در مجله شریف علوم الحدیث، شماره چهارم، صفحه ۳۱۱ الی ۳۵۷ به تحقیق محقق توانا علامه عالیمقدار حجة الاسلام

۱. سورة مائده (۵)، ۵۴.

شرح حال مؤلف به قلم آیت‌الله نجفی ۱۵

والمسلمین آقای حاج سید محمد رضا حسینی جلالی.

۲- أداء المفروض في شرح أرجوزة العروض

أرجوزه را مرحوم علامه آیت‌الله میرزا مصطفی تبریزی رحمته الله انشاء نموده است و شرح از ایشان است.

این اثر از روی دو نسخه خطی که در نزد حقیر موجود است، در سال ۱۴۲۸ ق برابر با ۱۳۸۶ ش با تحقیق محقق توانا حجة الاسلام آقای حاج شیخ مجید هادی‌زاده ضمن منشورات «المکتبة الأدبية المختصة» در قم المقدسه منتشر گردید.

۳- استيضاح المراد من قول الفاضل الجواد

این رساله را در جواب مرحوم آیت‌الله شیخ جواد بلاغی رحمته الله مرقوم فرموده‌اند و در عدم تنجیس متنجس است که در آخر مجلد «نواهی» طبع اول وقایة الأذهان به چاپ رسیده است. همچنین در سال ۱۴۲۶ ق (۱۳۸۴ ش) با تحقیق آقای رحیم قاسمی در شماره چهارم مجله فقه أهل البيت عربی (ص ۱۷۹-۱۹۴) و نیز متن و ترجمه آن هر دو در مجله فقه أهل البيت فارسی (ش ۴۴، ص ۱۸۷-۲۱۱) منتشر گردید. برای بار چهارم نیز متن و ترجمه در کتاب رساله‌های خطی فقهی، ص ۶۶۷ در سال ۱۳۸۶ ش ضمن منشورات «مؤسسة دائرة المعارف فقه اسلامی» منتشر شد.

۴- إمطة الغین عن استعمال العین فی معینین

رساله‌ای است که در جواب مرحوم آیت‌الله شیخ ضیاء‌الدین عراقی تصنیف شده است و در آخر چاپ جدید وقایة الأذهان در سال ۱۴۱۳ ق به طبع رسیده است. برای بار دوم نیز در مجموعه نصوص و رسائل من تراث اصفهان العلمي الخالد، ج ۲، ص ۳۵۱ الی ۳۵۹، با تحقیق محقق توانا آقای مجید هادی‌زاده در سال ۱۴۲۸ ق منتشر شده است.

۵- رسالة امجدیه

در حقیقت میهمانی خداوند عزوجل و آداب میهمان و کیفیت نوافل و ادعیه

غیر معروفه شهر رمضان المبارک.

این رساله تاکنون چهار بار چاپ شده است:

الف. چاپ سنگی در سال ۱۳۴۱ق زیر نظر مؤلف؛

ب. طبع حروفی در قطع جیبی در سال ۱۳۹۳ق توسط فرزندشان آیه‌الله

العظمی حاج شیخ مجدالدین نجفی که رساله به نام او تألیف شده است؛

ج. طبع حروفی جدید در قطع رقعی با مقدمه و تحقیق حفید مؤلف و والد

حقیر آیه‌الله آقای حاج شیخ مهدی غیاث‌الدین مجدالاسلام نجفی طاب ثراه، که در

سال ۱۴۰۶ در تهران توسط بنیاد محترم بعثت چاپ و منتشر گردید؛

د. در سال ۱۳۸۱ش نیز با مقدمه و تحقیق و تصحیح حقیر در تهران منتشر

گردید.

۶- الإیراد والإصدار فی حلّ مشکلات عویصة فی بعض العلوم

۷- تصانیف الشیعة

۸- تعریب رساله سیر و سلوک منسوب به سید بحر العلوم

۹- حاشیه بر «اکر» ثاوذوسیوس

ثاوذوسیوس هندسه‌دان و ریاضی‌دان یونانی است و کتاب/اکر او درباره اجسام

کرویّه است، معظم له بر این کتاب حاشیه دارند.

۱۰- حاشیه بر شرح واحدی بر دیوان متنبی

مجموعه حواشی معظم له بر دیوان متنبی که بین سال‌های ۱۳۵۴ الی ۱۳۵۹

نوشته شده است. این کتاب در مجموعه نصوص و رسائل من تراث اصفهان

العلمی الخالد، ج ۱، ص ۲۹۹ الی ۳۴۷، با تحقیق نتیجه ایشان خانم لیلی نجمی

در سال ۱۳۸۶ش (۱۴۲۸ق) منتشر شده است.

۱۱- حاشیه بر کتاب روضات الجنات

این حاشیه تحت عنوان أغلاط الروضات به چاپ رسیده است.

شرح حال مؤلف به قلم آية الله نجفی ۱۷

۱۲- حُلّی الدهر العاقل فی من أدركته من الأفاضل

در این کتاب شرح حال جمعی از بزرگان علماء که خود آنها را درک کرده‌اند آمده است.

۱۳- دیوان أبي المجد

دیوان اشعار عربی ایشان که بدین نام در سال ۱۴۰۸ق در قم به تحقیق علامه محقق حجة الاسلام و المسلمین آقای حاج سید احمد حسینی اشکوری به چاپ رسیده است.

در ضمن، این دیوان را بار دیگر استاد علامه و دانشمند گرانمایه آقای سید عبدالستار حسینی بغدادی تصحیح کرده است که به اذن الله منتشر خواهد شد. و همچنین کتابی تحت عنوان شعر أبي المجد النجفي الأصفهاني به قلم خانم إسراء محمدرضا صلال العکراوي توسط مکتبه عتبه علویه مقدسه، در سال ۱۴۳۳ق در نجف اشرف منتشر شده است.

۱۴- ذخائر المجتهدین فی شرح کتاب معالم الدین فی فقه آل یس

کتاب معالم الدین فی فقه آل یس تألیف علامه شیخ شجاع الدین ابن قطان شاگرد فاضل سیوری است.

فرزندش آية الله مجدالدین نجفی در کتاب المختار من القصائد والأشعار درباره این کتاب و آنچه از شعر در مدح آن گفته شده، چنین گوید:
لسماحة النسيب الحسيب الشيخ مرتضى في وصف كتاب ذخائر المجتهدين من مصنفات
الوالد دام ظله:

علم الأوائل والأواخر	في طي ألفاظ «الذخائر»
أحيت شرائع جعفر	وأعادت السنن الدوائر
عن مصدر العلم الذي	كشف الغطاء عن السرائر
فلك الفقاها لم يكن	لولا في الفقهاء دائر
حاز الرهان بسبقه	وسواه في الحلبات عاثر

وللأديب الأريب الآغا مصطفى التبريزي رحمته الله في وصف الكتاب المذكور:

كتابٌ حوى من كلّ علم لبابه ففاق على ما صنّفته الأوائل
هو البحر حدّث عنه ما شئت صادقاً له من زلال الفضل لج وساحل
فلا زال محفوظاً ولا زال ربّه يلوذ به في المعضلات الأفاضل

وللأديب الكامل الشيخ محمد حسين في وصف الكتاب المذكور:

لله دُرّكٌ من إمام حاز من عزّ العلوم أجلّهنّ مفاخر
لما اهتدى المسترشدون بجده وجدوا من الإرشاد فيه «ذخائر»
وله فيه أيضاً:

طالعت فيه وإنني أرجو البقاء لصاحبه
جربت كلّ فصاحة وبلاغة يا صاح به^۱

۱۵- رساله في الرد على فصل القضا في عدم حجية فقه الرضا

مرحوم سيّد حسن صدر كاظمي رحمته الله فصل القضا را درباره عدم حجّيت كتاب فقه منسوب به امام رضا عليه السلام تدوين نموده است و معظم له در اين رساله بيانات ايشان را مورد نقادی قرار داده‌اند.

۱۶- الروض الأريض فيما قال أو قيل فيه من القريض

۱۷- الروضة الغناء في تحقيق معنى الغناء

اين رساله در موضوع غناء تأليف شده است. مؤلف در اين رساله خود را عبدالمنعم ابن عبد ربّه خوانده است. اين رساله برای اولین بار به طور كامل در مجله نور علم، شماره چهارم، ص ۱۲۳ به چاپ رسيد. پس از آن به فارسی برگردانده شد و در مجله كيهان / اندیشه، شماره ۱۸، ص ۱۰۴ به چاپ رسيد و پس از آن در هفده رساله‌ی آقای استادى، ص ۳۴۸ چاپ شده است. آخرين چاپ متن عربی رساله در مجموعه رسائل پيرامون غناء و موسيقى به تحقيق محقق گرانقدر آية الله آقای حاج شيخ رضا استادى به طبع رسیده است.

۱. المختار من القصائد والأشعار، ص ۱۰۶.

شرح حال مؤلف به قلم آیةالله نجفی ۱۹
همچنین ترجمه آن مجدداً در بیست رساله‌ی فارسی ایشان، ص ۵۰۵ به طبع رسید.

۱۸- سقط الدرّ فی أحكام الکُرّ

رساله‌ای است فقهی پیرامون مسئله کر و اندازه و قدر آن.

۱۹- سمط اللال فی مسألتي الوضع والاستعمال

رساله‌ای است ادبی و اصولی در باره دو موضوع «وضع» و «استعمال» و برخی دیگر از مقدمات علم اصول. این رساله دو مرتبه به چاپ رسیده است: یک بار در زمان حیات مؤلف و بار دوم در سال ۱۴۱۳ در ابتدای وقایه‌الاذهان که در قم مقدسه توسط مؤسسه آل البيت (علیهم‌السلام) به چاپ رسیده است.

۲۰- السیف الصنیع لرقاب منکری علم البدیع

در دانش بدیع تنظیم شده و مؤلف آن را در سال ۱۳۲۴ به پایان برده است. این رساله نیز از روی تنها نسخه خطی موجود آن، در سال ۱۴۲۷ با تحقیق آقای مجید هادی‌زاده در قم مقدسه ضمن منشورات «المکتبة الأدبية المختصة» منتشر شد.

۲۱- العقد الثمین فی أجوبة مسائل الشیخ شجاع‌الدین

جواب‌های چند مسئله فقهی است که توسط شیخ شجاع‌الدین عالم دینی ابراهیم‌آباد اراک از ایشان پرسیده شده است و بدان پاسخ داده‌اند. تصویر نسخه‌ای ناقص از آن در نزد صاحب این قلم موجود است.

۲۲- غالية العطر فی حکم الشعر

۲۳- القبلة

رساله‌ای فقهی است در موضوع قبله و حدود و احکام آن است.

۲۴- القول الجمیل إلی صدقي جمیل

صدقی جمیل زهاوی یکی از شعرای عرب است که بعد از انتشار کتاب نقد فلسفه د/روین توسط معظم له، از ایشان سؤالات و به سخنانشان انتقاداتی نموده که در این رساله به آنها پاسخ داده‌اند.

۲۵- گوهر گرانها در رد اتباع عبدالبهاء

بعد از رساله/مجدیه، این دومین رساله ایشان است که به زبان پارسی نگارش یافته است و در آن فرقه ضالّه را رد نموده‌اند. تصویری از این رساله که اصل آن در کتابخانه مرحوم حججی^۱ در نجف آباد موجود می‌باشد در نزد حقیر است. این رساله با تحقیق دو محقق توانا حجج اسلام آقایان شیخ مهدی باقری سیّانی و سید هادی صالحی به زودی منتشر می‌شود.

۲۶- نُجعة المُرْتاد فی شرح نجاه العباد

شرحی است بر کتاب «الصلاة» نجاه العباد صاحب جواهر، که در آن به بررسی نظریات فقهی شیخ انصاری و مجدد شیرازی و غیرهما پرداخته شده است. در دفتر اوّل میراث حوزه اصفهان، با تحقیق آقای رحیم قاسمی از ص ۳۲۳ الی ۵۲۰ منتشر گردید.

۲۷- نقد فلسفه دارون (کتاب حاضر)

این کتاب سه مجلد است که دو جلد آن در سال ۱۳۳۱ در بغداد به چاپ رسید و اولین اثر از یک مجتهد نجفی است که در آن آراء و عقاید داروین انگلیسی و مترجم افکار او در جهان عرب شبلی شُمیل را نقد کرده است. به سبب همین کتاب آوازه شهرت معظم له از حوزه‌های علمیّه شیعی خارج و به تمام دنیای اسلام رسید.

آقای استادی این کتاب را در سی مقاله، ص ۳۴۱ معرفی کرده است.

متن این کتاب در سال ۱۳۸۹ ش/۱۴۳۲ ق به تحقیق آقای دکتر حامد ناجی اصفهانی توسط کتابخانه مجلس شورای اسلامی به ریاست حجة الاسلام آقای حاج شیخ رسول جعفریان، در تهران برای دومین بار منتشر گردید، که اکنون ترجمه فارسی آن در مجلد حاضر به خوانندگان محترم تقدیم می‌گردد.

۱. رجوع گردد به: فهرست نسخه‌های خطی کتابخانه آیت‌الله حججی - نجف/آباد، ص ۲۱۶، رقم ۱۴۵، تألیف ابوالفضل حافظیان بابلی.

شرح حال مؤلف به قلم آیةالله نجفی ۲۱

۲۸- النوافج و الروزنامج

مجموعه یادداشت‌های متفرقه در علوم مختلف است. آغاز تألیف آن در سال ۱۳۲۵ می‌باشد.

این کتاب به زودی با تحقیق محقق دانشمند آقای جویا جهانبخش منتشر می‌گردد. ان شاء الله تعالی.

۲۹- وقایع الاذهان و الألباب و لباب أصول السنة و الكتاب

کتاب اصولی ایشان است که در چند مجلد در زمان حیاتشان به چاپ رسیده و در سال ۱۴۱۳ق نیز در یک مجلد کبیر توسط مؤسسه آل البيت علیه در قم مقدسه تجدید چاپ شده است.

۳۰- تعلیقه بر رساله المحاکمة بین العلمین

تألیف مرحوم آیةالله آقای سید مهدی حکیم رحمته که معظم له به درخواست مرحوم آیةالله شیخ ضیاءالدین عراقی بر آن تعلیقه زده‌اند.

۳۱- الحواشی علی کافی

حواشی ایشان است بر کتاب کافی مرحوم ثقة الاسلام کلینی اعلی الله مقامه الشریف.

۳۲- أنا و الأيام

مختصر شرح حالی از ایشان است که به زبان عربی به درخواست مرحوم مدرس تبریزی صاحب ریحانة الأدب مرقوم فرموده‌اند. می‌نویسند: قصد دارم که رساله‌ای مفصل در شرح احوال خودم بنگارم بدین نام.

۳۳- رساله‌ای پیرامون حکم فقهی دستگاه گرامافون

این رساله توسط آقای استادی در مجله پیام حوزه، سال اول، شماره اول، ص ۹۸ تحت عنوان «رساله‌ای از آیةالله نجفی مسجدشاهی» به طبع رسیده است. همچنین در روزنامه رسالت، به تاریخ دوشنبه ۲۱ شهریور ۱۳۷۳ و به شماره ۲۵۰۹ به طبع رسیده و پس از آن مجدداً توسط آقای استادی در بیست مقاله، ص ۳۶۵ چاپ شده است.

تنبيه: عدۀ كثيری از اعلام كه در درس ایشان حاضر بوده‌اند، اباحت فقهی و اصولی ایشان را تقرير کرده‌اند از آن جمله:

مرحوم آية الله سيّد احمد زنجانی رحمته الله، بحث فقهی ایشان را در قم حول مسئله كُرّ در كتابشان به نام *أفواه الرجال* تنظيم نموده‌اند. این تقریرات با تحقیق آقای مهدی باقری سیانی در جلد چهارم *میراث حوزه اصفهان* (ص ۷۰-۲۵) به طبع رسید.

مرحوم آية الله سيّد عطاء الله فقيه امامی رحمته الله نیز اباحت فقهی و اصولی ایشان را در اصفهان در یک مجلد تنظيم نموده‌اند. تصویر نسخه تقریرات اصول ایشان در نزد حقیر موجود است.

تذکر: رسالة في عدم تنجيس المتنجس

این رساله خطاب به علامه آية الله شيخ محمد جواد بلاغی رحمته الله است و در مجله *فقه اهل البيت* عليهم السلام عربی (عدد ۴۵، ص ۲۳۸-۲۲۳) با تحقیق آقای رحيم قاسمی به نام مرحوم مؤلف همراه با رساله مرحوم بلاغی منتشر شده است. ولی باید توجه داشت كه این رساله از ایشان نیست؛ همان‌گونه كه مرحوم آية الله سيّد محسن حكيم در كتاب *مستمسك العروة الوثقى*^۱ این رساله را تألیف مرحوم شيخ محمد مهدی خالصی می‌داند.

همسر و فرزندان

زوجه اول ایشان علویه زهرا بیگم، دختر علامه جلیل آقا سيّد محمد امامی خاتون آبادی اصفهانی است، كه از او صاحب چند فرزند شدند:

۱- آية الله آقای حاج شيخ مجدالدین مجدالعلماء نجفی

شرح حال ایشان خواهد آمد.

۲- آية الله آقای حاج شيخ عزالدین نجفی

متوفی در دوم شهریور ماه ۱۳۵۸ ش/ ۱۳۹۹ق در اصفهان و مدفون در باغ

۱. *مستمسك العروة الوثقى*، ج ۱، ص ۴۱۳، چاپ ۱۳۷۶ق (ج ۱، ص ۴۸۶، چاپ ۱۳۹۱ق).

شرح حال مؤلف به قلم آیةالله نجفی ۲۳

رضوان قم جنب وادی السلام.^۱

۳- آقا نورالدین نجفی

متوفی ۱۴۲۳ق در آمریکا و مدفون در همان جا.

۴- مخدره عزت الشریعة

زوجه مرحوم آقای حاج شیخ محمدحسین نجفی، فرزند مرحوم آیةالله آقا جلالالدین، فرزند آیةالله آقانجفی.

۵- مخدره بهجت خانم

زوجه آقای محمدحسین فرید فرزند آیةالله آقانجفی و مدفون در بقعه آقانجفی.

۶- مخدره نزهت خانم

زوجه مرحوم آقای حاج شیخ محمدحسن نجفی زاده فرزند آیةالله حاج شیخ مهدی نجفی.

و از زوجه دوم به نام مریم خانم نیز صاحب دو اولاد گردید به نامهای:

۷- آقای آقا مهدی نجفی

متوفی بعد از ظهر دوشنبه ۱۶ صفر ۱۴۲۳ برابر با ۹ اردیبهشت ۱۳۸۱ و در فردای آن روز سه شنبه ۱۷ صفر تشییع و بعد از اقامه نماز بر ایشان توسط حقیر در باغ رضوان اصفهان مدفون گردید.

۸- پروین خانم نجفی

زوجه مرحوم آقای عزتالله اصغری، در زوال روز پنجشنبه ۲۱ ربیع الآخر ۱۴۲۵ برابر با ۲۱ خردادماه ۱۳۸۳ در تهران درگذشت و در روز جمعه ۲۲ ربیع الثانی در بهشت زهرا دفن شد.

و از زوجه منقطعه‌ای به نام بانو رباب خانم نیز صاحب یک پسر شد به نام:

۹- آقای حاج آقا تقی نجفی

عموی بزرگ نگارنده و اکنون چشم و چراغ فامیل و بزرگ آن است. خداوند

۱. رجوع گردد به: تربت پاکان قم، ج ۲، ص ۱۰۱۰.

وجود او را از همه بلايا محفوظ بدارد!

وفات و مدفن و مراثي

سرانجام بعد از يك عمر تدريس و تأليف و ترويج شريعت و پاسداري از آن در سنگر مرجعيت و افتاء و تربيت شاگردان متعدد، اين ستاره آسمان معرفت و اجتهاد در بامداد روز يكشنبه ۲۴ محرم الحرام سال ۱۳۶۲ق برابر با ۱۱ بهمن ماه ۱۳۲۱ش در اصفهان به ديار باقى شتافت و با تشييعى بى نظير كه تمامى بازارها و مراكز به واسطه آن تعطيل شد در بقعه تكيه جدش مرحوم آية الله العظمى آقاى شيخ محمدتقى رازى نجفى اصفهانى واقع در تخت پولاد اصفهان به خاك سپرده شد، رحمة الله عليه رحمة واسعة.

عدهاى از علماء و شعراء در رثاء و ماده تاريخ وفات ايشان اشعارى گفته اند از آن جمله:

۱- مرحوم آية الله العظمى آقاى حاج سيد على علامه فانى اصفهانى در رثاء ايشان گويد:

ز دست رفت رضا و سياه گشت جهان
بلى چو مهر رود شام تيره است عيان
در آسمان جلالت چو نير اعظم
هميشه بود ز علم و كمال نورافشان
فقيه و عالم و زاهد، اديب و كامل و راد
حكيم و منطقي و عين دانش و عرفان
به عمر خویش به جز راه حق نپمودى
نبود در نظرش غير خالق سبحان
ز روح پاك و ز اخلاق نيك و از دانش
هزار مرتبه برتر وجودش از آقران

شرح حال مؤلف به قلم آیةالله نجفی ۲۵

دریغ مردم نادان و جاهل و ظالم
که همنفس نباشد غیر خاطر نالان
همیشه بود ز بخت بد و ز طالع نحس
غمین و بی‌دل و افکار و خون‌دل و پژمان
مدام با دل پر درد گفت: یا الله
شبانه‌روز بُد از ظلم دشمنان گریان
به نقد فلسفه بنگر ببین نداده به دهر
کسی جواب طبیعی بدین بیان روان
از اوست سیف صنیع در مدیح علم بدیع
که هست اصل معانی و نیست گنج نهان
ذخائر است و وقایه به علم فقه و اصول
به یادگار از او چون دو گوهر تابان
دلم ز دست غم او ریش به جان آمد
شود ز دیده من اشک همچو سیل روان
غمی که داشت به دل بود جور دانایان
و گر نه نیست کسی را توقع از نادان
ز اهل علم ملول و به علم خود مشغول
ز قوم و خویش به رنج و ز بخت خویش نوان
هزار شکر که تا زنده بود و بنده بُدم
بُد او رضا ز من زار فانی نالان

۲- و همچنین در ماده تاریخ رحلت ایشان گوید:

لما مضى شيخ الفضيلة والتقى^۱ واحسرتا حنقاً! فقد ضاق الفضاء
فانقُص من التاريخ يوم وفاته أربع وعشريناً و «قل فقد الرضا»

۱۳۲۲=۲۴-۱۳۴۶ هـ. ش

۳- مرحوم حاج میرزا حبیب‌الله نیر شاعر گرانمایه در مرثیه و تاریخ وفات

ایشان گوید:

غدرت بنا فوا أسفاً ولهفاه!	أيا دهرًا ذهبَ بآية الله
مضى نحو الجنان بقرب مولاه	محمد الرضا الغروي أبو المجد
ففي شهر المحرم «طاب مثواه» ^۱	أراد النير استيضاح فوته
«رضا النجفي لبى داعي الله»	فأرخ بعد نقص الست للعام
۱۳۶۲=۶-۱۳۶۸ هـ. ق ^۲	

۴- مرحوم حاج میرزا حسن خان جابری انصاری نیز در این مورد می‌سراید:

رئيس العلم في ذاك الزمان	لقد أفل الكواكبُ مُذْ تُؤَقِّي
سماء العلم لأهل الأصبهان	محمد الرضا الغروي شيخ
به شأن البيان من المعاني	ولما راح راح الروح عنا
وكلّ لسانه عند البيان	تمنى الجابري بأن يُورخ
«لقد آوى الرضاء بالجنان»	إذا جاء البشير وقال أرخ

۱۳۲۱ هـ. ش

۵- شاعر توانا و استاد ادیب آقای میرزا فضل‌الله خان اعتمادی خوئی متخلص

به برنا، مولود سال ۱۳۰۹ هـ. ش در مرثیه و ماده تاریخ مؤلف چنین سروده‌اند:

مِهین دانشور دانش‌پژوه بارز فاضل
بِهین روحانی دانانواز بارع کامل
سمى آخرین انبیاء و هشتمین حجت
که باشد محترم از دید اهل زهد و اهل دل
همان شامخ که می‌بینی در القاب و عناوینش
ادیب اکبر و استاد کلّ و عالم عامل

۱. فی المعادن، ص ۲۴: طال بلواه.

۲. المعادن، ص ۲۵.

شرح حال مؤلف به قلم آیةالله نجفی ۲۷

همان سائق که غیر از نشر دین و نیکی و تقوی
نه در سلکی شدی سالک نه در راهی شدی راحل
همان فحلی که از تشکیل حزب و مجلس‌آرایی
به علم‌آموزی و تدریس بودی بیشتر مایل
به تدریس حواشی و متون وی وارد و ماهر
به تعلیم اضافات و اصول او قادر و قابل
به کشتِ عمر خود بذری نیفشاندی به جز احسان
که تا مقبولی محبوب یکتا باشدش حاصل
نه سودی باز گردانیدش از امر به معروفی
نه شد نفعی میان او و نهی منکری حائل
نه توأم با تظاهر کرد و تدلیس و ریا بخشش
نه همراه نمایش کرد و جنجال و فغان نافل
نه بودش سازش و همبستگی یک لحظه با ظالم
نه گرد آورد دور خویش یک دم مردم جاهل
نه بهر هوده‌ای^۱ کافر یکی را خواند از تهمت
نه بیهوده پی شهرت گنه شد بهر کس قائل
نه مالی را به عنوانی برآمد از پی غضبش
نه وجه وقف و نذری را دگرگون کرد یا زائل
نه کاهل بود در تشویق و نشر عدل و دینداری
نه از ترویج قرآن بود و فرمان خدا غافل
نه با گردآوری و احتکار روزی مردم
به نام احتیاط او فعل سوئی را شدی فاعل
هماره شد بری از خواهش و امیال نفسانی
همیشه برحذر بود از امور عاطل و باطل

۱. هوده به معنای سود و فایده است.

چو نام خود رضا بودی، رضا از داد یزدانی
نگشتی بیشتر از حد و حقّش از خدا سائل
نشد در کام امواج بُحور کبر و خودخواهی
ز ناو و کشتی عزّت قدم بنهاد بر ساحل
غرض مجد الافاضل زاده جبر حفید او
که چون اجداد بر کسب علوم دین شده نائل
به ابجد خواست تاریخی که مصرعی به تنهایی
به سال هجری شمسی وفاتش را شود شامل
نوشت از بهر سال رحلت او خامه برنا
«ابوالمجد رضا بودی ادیب و عابد و عادل»
۱۳۲۱ هـ. ش

مصادر شرح حال

شرح حال و ترجمه ایشان را می‌توانید در کتاب‌های ذیل بیابید:

- | | |
|---|--|
| - تاریخ علمی و اجتماعی اصفهان در دو قرن اخیر، ج ۲، ص ۲۱۹ در بیش از دویست صفحه و به نام: بیان مجد النبلاء در احوالات شیخ ابوالمجد محمد الرضا | - قبیله عالمان دین، ص ۸۵-۱۱۵ |
| - نقباء البشر، ج ۲، ص ۷۴۷ | - معارف الرجال، ج ۳، ص ۲۴۵ |
| - مصفی المقال، ص ۱۷۹ | - مجلة نور علم، سال دوم، ش ۹، ص ۷۹ |
| - الذریعة، در مجلدات مختلف | - الإجازة الكبيرة، ص ۱۸۱، الرقم ۲۲۶ |
| - سحر بابل و سجع البابل، ص ۸۲ | - المسلسلات فی الإجازات، ج ۲، ص ۸۷ |
| - تذکرة القبور، ص ۳۲۸ | - دیوان أبی المجد، ص ۱۱ |
| - ریحانة الأدب، ج ۷، ص ۲۵۲ | - وقایة الأذهان، ص ۲۵ |
| - آثار الحجة، ج ۱، ص ۷۷ | - رساله امجدیه، ص ۵، طبع سوم، و ص ۲۳-۴۷ از طبع چهارم به قلم حقیر |
| - گنجینه دانشمندان، ج ۱، ص ۲۴۲ | - چهل مقاله، ص ۵۸۱ و ۶۸۸ آقای استادی |
| - شعراء العری، ج ۴، ص ۸۱-۴۲ | - سى مقاله، ص ۳۴۸ آقای استادی |
| - أعيان الشیعة، ج ۷، ص ۱۶ | - هفده رساله، ۳۴۸ آقای استادی |
| - معجم المؤلفین العراقيين، ج ۱، ص ۴۷۲ | - مجلة علوم الحديث، ش ۴، ص ۳۱۸ |
| - الأعلام، ج ۳، ص ۲۶ | - شرح احوال آیةالله العظمی اراکى، ص ۳۲۹ |
| - معجم المؤلفین، ج ۴، ص ۱۶۳ | - مجلة کیهان اندیشه، ش ۱۸، ص ۱۰۴ |
| - مستدرک معجم المؤلفین، ص ۲۵۱ | - دائرة المعارف تشیع، ج ۲، ص ۲۲۲ |
| - ماضی النجف وحاضرها، ج ۳، ص ۲۱۴ | - مجلة فرهنگ اصفهان، ش ۱۱، ص ۶۲ |
| - تاریخ اصفهان، جلال‌الدین همایی، مجلد «ابنیه و عمارات»، فصل «تکایا و مقابر»، ص ۱۱۶-۱۱۹ | - اثر آفرینان، ج ۱، ص ۲۷۱ |
| - تاریخ آداب اللغة العربیة، ج ۴، ص ۴۹۰ | - رجال اصفهان، ج ۱، ص ۲۱۳ دکتر کتابی |
| - مکارم الآثار، ج ۸، ص ۲۸۰۳ | - ریشه‌ها و جلوه‌های تشیع و حوزه علمیه اصفهان، ج ۱، ص ۵۰۹ |
| | - تربت پاکان قم، ج ۲، ص ۱۰۱۱ از عبدالحسین جواهر کلام |

- فهرس التراث، ج ۲، ص ۳۶۳
- تاریخ اصفهان، ص ۳۴۲، مرحوم حاج میرزا حسن خان جابری انصاری، طبع سال ۱۳۷۸ هـ ش
- بغية الراغبين، ج ۱، ص ۱۵۷
- موسوعة طبقات الفقهاء، جزء دوم، ج ۱۴، ص ۷۱۶
- تذکره شعرای معاصر اصفهان، ص ۲۱۳، رقم ۱۷۶ سید مصلح‌الدین مهدوی
- الطلیعة من شعراء الشيعة، ج ۱، ص ۳۳۵-۳۴۲، شیخ محمد سماوی
- نوزده ستاره و یک ماه، ص ۲۷۹، (شرح حال چند نفر از فقهاء و حکماء)، تألیف حاج شیخ رضا استادی
- قیام آیت‌الله حاج آقا نورالله نجفی اصفهانی، ص ۷۰، به قلم سید اسدالله رسا، طبع ۱۳۸۴ ش
- ادیب ماندگار، ص ۹۱
- گلشن ابرار، ج ۴، ص ۳۳۸
- معجم طبقات المتکلمین، ج ۵، ص ۴۳۲، الرقم ۷۲۱
- گلشن اهل سلوک، تألیف رحیم قاسمی، ص ۱۱۳
- شعر أبي المجد النجفي الأصفهاني، تألیف إسرائ محمدرضا صلال العکراوی، ص ۳۰-۹
- تذکره شعرای استان اصفهان، ص ۲۸۴
- به اهتمام مصطفی هادوی شهیر اصفهانی
- کتاب‌های عربی چاپی، ص ۲۲۰ و ۵۲۴ و ۵۳۹ و ۹۶۵ و ۹۹۸، مرحوم مشار
- معجم رجال الفكر و الأدب، ج ۱، ص ۱۳۵، شیخ محمدهادی امینی
- مستدرکات أعيان الشيعة، ج ۶، ص ۱۶۵ و ج ۹، ص ۲۴۵
- منتخب معجم الحكماء، تألیف مرتضی مدرس گیلانی، انتخاب و تحشیه منوچهر صدوقی سها
- جمع پریشان، ج ۲، ص ۵۹۰، از رضا مختاری
- دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج ۲، ص ۶۲۰
- فرهنگ اعلام تاریخ اسلام، ج ۱، ص ۳۹۴ و ۵۰۰ و ج ۲، ص ۱۸۴۵
- تذکره شعرای تخت فولاد اصفهان، ص ۲۷۷، از علیرضا لطفی
- خاندان شیخ محمدتقی نجفی اصفهانی، تألیف رحیم قاسمی، ص ۸۰۰-۶۴۳
- شعرای حوزه علمی اصفهان، تألیف سید محمدعلی بهشتی‌نژاد، ص ۵۰۱
- نامه‌های ناموران، ص ۷۲۲-۷۲۰

شرح حال مترجم جلد اول آیه‌الله مجدالدین نجفی (مجد العلماء)

نام - پدر - مادر - ولادت

نام: محمدعلی که مهجور مانده است.

لقب: در کودکی به ایشان امجدالدین می‌گفتند و والدشان رساله‌امجدیه را به نام ایشان تصنیف فرمود، در جوانی به مجدالدین لقب گرفتند و در بزرگسالی از طرف مردم مجدالعلماء خوانده می‌شدند و لقب ایشان بر اسم مقدم شده و همواره به لقب خوانده می‌شدند.

پدر: آیه‌الله العظمی علامه ابوالمجد شیخ محمدرضا نجفی اصفهانی رحمته‌الله.

مادر: علویه زهرا بیگم در گذشته سوم ربیع الأول سال ۱۳۵۶ مطابق با ۲۳ اردیبهشت ۱۳۱۶ش مدفون در تکیه سید العراقین دختر سید العلماء آیه‌الله سید محمد امامی خاتون‌آبادی اصفهانی نجفی.

زمان ولادت: روز ۲۳ جمادی الأولى ۱۳۲۶ ق.

مکان ولادت: در نوع تراجم ایشان محل ولادتشان نجف اشرف ذکر شده است، لکن معلم حبیب‌آبادی صاحب مکارم‌الآثار در مقاله‌ای که روزنامه‌عرفان^۱ بعد از فوت والدشان منتشر نموده، ولادت ایشان را کربلا نوشته است. همچنین

۱. روزنامه‌عرفان، فروردین ماه ۱۳۲۲ هجری شمسی، منتشره در اصفهان.

محقق توانا آقای سید محمدرضا حسینی جلالی^۱ نیز با توجه به مقاله مرحوم معلّم، ولادت معظم له در کربلا را صحیح دانسته‌اند، ولی چون شرح حالی که از ایشان در مقدمه رساله^۲ /مجدیه^۳ به طبع رسیده، زیر نظر خودشان تنظیم گردیده، و در آنجا ولادت در نجف اشرف ذکر شده است^۳، بنابراین در این که ولادتشان در نجف اشرف واقع شده باشد و نه کربلا تردیدی باقی نخواهد ماند. مؤید این مطلب هم آنکه در شناسنامه ایشان نیز محل تولد نجف اشرف ذکر شده است.

تحصیلات و اساتید

دانش‌اندوزی را در نجف اشرف در حالی آغاز نمود که طفل بود. در سال ۱۳۳۳ به همراه پدر و خانواده به اصفهان مهاجرت کرد و در اصفهان سطوح مقدماتی را نزد اساتید فن از آن جمله: آیةالله حاج شیخ علی مدرس یزدی (متوفی ۱۳۵۱) و حضرات آیات: حاج آقا رحیم ارباب (متوفی ۱۳۹۶)، حاج آقا منیرالدین بروجردی (۱۲۶۹-۱۳۴۲ق)، حاج میرزا محمدصادق خاتون‌آبادی (متوفی ۱۳۴۸ق) و سید محمد نجف‌آبادی (۱۲۹۴-۱۳۵۸ق) فرا گرفت.

پس از آن درس خارج فقه و اصول را نیز از محضر پدر بزرگوارش علامه شیخ محمدرضا نجفی استفاده کرد؛ مضافاً بر این که تا آخر زمان حیات دو استاد آخر سطحش، یعنی: آیتین خاتون‌آبادی و سید محمد نجف‌آبادی، در درس خارج آنها نیز حاضر می‌گشت. ایشان در مدتی که والد ماجدش در قم مشرف بودند، در خدمتشان بوده، به درس حضرت آیةالله مؤسس حاج شیخ عبدالکریم حائری یزدی (متوفی ۱۳۵۵ق) نیز حاضر می‌شدند و همچنین در اصفهان نیز از درس عموی بزرگوارشان شهید آیةالله حاج آقا نورالله نجفی (۱۲۷۸-۱۳۴۶ق) بهره‌مند شده‌اند.

ولی بیشترین استفاده ایشان در فقه و اصول و ریاضی و هیئت از والد

۱. الإجازة الشاملة للسيدة الفاضلة، چاپ شده در مجله علوم الحديث، ش ۴، سال دوم، ص ۳۲۲.

۲. رساله /مجدیه، ص ۱۱، طبع سوم.

۳. همان، ص ۱۴.

شرح حال مترجم جلد اول به قلم آیةالله نجفی ۳۳

بزرگوارشان بوده و حضور در درس پدر سالیان متمادی به طول کشیده است و از والدشان در نهایت تصدیق به اجتهاد معظم له کتباً صادر شده است. اجتهاد ایشان حتی در نزد مراجع نجف اشرف نیز به اثبات می‌رسد که مرجع علی الاطلاق شیعه در آن عصر یعنی مرحوم آیةالله سید ابوالحسن اصفهانی طاب ثراه نیز برای معظم له اجازه اجتهاد صادر می‌کنند و به اصفهان می‌فرستند.

مشایخ روایت و مجازین از وی

از مشایخ اجازه معظم له در نقل حدیث تاکنون فقط دو نفر را می‌شناسیم:

والد علامه ایشان مرحوم آیةالله ابی المجد شیخ محمد رضا نجفی رحمته الله؛

مرجع علی الاطلاق شیعه آیةالله سید ابوالحسن اصفهانی رحمته الله.

و از مجازین از ایشان فقط یک نفر را می‌شناسیم:

فرزندشان مرحوم آیةالله استاد آقای حاج شیخ مهدی غیاث‌الدین مجدالاسلام

نجفی طاب ثراه.

در کلام دیگران

۱- والد بزرگوارش در پایان رساله /مجدیه که به نام ایشان تألیف فرموده است چنین می‌نویسد: «چون سال تألیف رساله مصادف بود با سال اوّل وجوب روزه مرقره العین معظم نخبه أرباب الفهم والاستعداد والمرجوّ لإحیاء مراسم أجداده الأجداد آقا شیخ أمجد الدین - أبقاء الله خلفاً عن سلفه الماضین وجعله علماً یتدی به فی الدنیا والدین - او را مخاطب در این رساله داشتم و نام آن را رساله /مجدیه گذاشتم، شاید اخوان مؤمنین اگر از این رساله منتفع شوند او را از دعای خیر فراموش نکنند، و سعادت دارین را برای او از حق تعالی بخواهند»^۱.

۲- مرحوم آیةالله حاج سید مصطفی مهدوی هرستانی رحمته الله که از شاگردان و مجازین از آیةالله ابی المجد شیخ محمد رضا نجفی طاب ثراه می‌باشد مکرر برای

۱. رساله /مجدیه، ص ۱۴۲، چاپ چهارم.

صاحب این قلم نقل می‌فرمود که مرحوم پدرشان ابوالمجد در حق فرزندشان می‌فرمودند: «مجد ما در علم هیئت استاد است»^۱.

۳- علامه طهرانی در پایان شرح حال پدرشان در *نقباء البشر* می‌نویسد: «... و فرزند او شیخ مجدالدین امروز از علماء و ائمه جماعات در اصفهان است»^۲.

۴- دانشمند مورخ شیخ محمدعلی معلّم حبیب‌آبادی صاحب *مکارم الآثار* در پایان مقاله‌ای که بعد از فوت مرحوم والدشان در روزنامه *عرفان* - که آن روز در اصفهان منتشر شده است - چنین می‌نگارد: «... و آقای مجدالعلماء پسر بزرگ آن مرحوم در حدود سال هزار و سیصد و بیست و شش یا قدری پس و پیش در کربلا متولد شده و در خدمت پدر نامور تحصیلات خود را در علوم فقه و اصول و هیئت و ریاضی قدیم به پایان آورده و به زیور اجتهاد زینت یافته و به تصدیق اجتهاد و اجازات روایت از آن فقید مرحوم سرافراز گشته و اینک به جای وی در مسجد نو امامت می‌نماید»^۳.

۵- دانشمند محترم مرحوم آقای حاج شیخ محمد رازی در *گنجینه دانشمندان* می‌نویسد: «حضرت آیه‌الله آقای حاج شیخ مجدالدین نجفی فرزند ارشد مرحوم آیه‌الله العظمی ابوالمجد آقا شیخ محمدرضا نجفی ابن عالم ربّانی شیخ محمدحسین ابن علامه محقق حاج شیخ محمدباقر طاب ثراهم معروف به مجدالعلماء... در ماه شوال ۱۳۹۴هـ که برای امری به اصفهان رفتم، در مسجد نو موفق به زیارتشان شده و از سیمای ملکوتی آن جناب مستنیر گردیدم آثار و علائم ربّانیت را از چهره منیرش مشاهده کردم؛ و باید همین طور باشند؛ زیرا فرزند ارجمند آیه‌الله العظمی آقا رضا که مجسمه علم و کمال و حفید عالم ربّانی و آیت سبحانی حاج شیخ محمدحسین نجفی هستند که دارای کرامات و مقامات معنوی بوده و مرحوم آیه‌الله حاج آقا نورالله اصفهانی کتابی در شرح زندگانی آن

۱. *البیواقیات الحسان فی تفسیر سورة الرحمن*، ص ۱۸.

۲. *نقباء البشر*، ج ۲، ص ۷۵۳.

۳. *روزنامه عرفان*، فروردین ماه ۱۳۲۲ هجری شمسی.

شرح حال مترجم جلد اول به قلم آیةالله نجفی ۳۵

بزرگوار و حالاتش نوشته است»^۱.

۶- علامه مهدوی رحمته الله علیه در کتاب *دانشمندان و بزرگان اصفهان* در شرح حال پدرشان بعد از ذکر *رساله /مجدیه* می نویسد: «مجدیه در اعمال ماه رمضان به نام فرزندش عالم زاهد ورع مجدالعلماء»^۲.

۷- همچنین علامه مهدوی در *تاریخ علمی و اجتماعی اصفهان* در دو قرن اخیر چنین می نگارد: «مرحوم مجدالعلماء: عالم عامل و فقیه کامل و مفسر ادیب، جلیل القدر، عظیم المنزلة، استاد ریاضی و هیئت، جامع معقول و منقول، حاوی فروع و اصول، از مدرسین خارج فقه و اصول در مدرسه مرحوم ثقة الاسلام عموی والد بزرگوارشان، و امام جماعت مورد وثوق قاطبه طبقات اجتماع در مسجد نو بازار، آثار زهد و تقوی از سیمای او نمودار که «سِمَاهُمْ فِي وَجُوهِهِمْ مِّنْ أَثَرِ السُّجُودِ»^۳. بیشتر از چهل سال پس از فوت پدر در مسجد ایشان در ظهر و شب اقامه جماعت می نمود و عده کثیری از مؤمنین حضور به جماعتش را غنیمت می شمردند»^۴.

۸- آقای دکتر محمدباقر کتابی در *رجال اصفهان* در ضمن شرح حال پدر ایشان مرقوم می فرمایند: «... شیخ قبل از ظهرها در مسجد نو بازار تدریس می نمود و بسیاری از فضلاء اصفهان به درس او حاضر می شدند و در همان مسجد اقامه جماعت می نمود؛ و بعد از ایشان فرزند ارشدشان آیةالله مجدالعلماء به اقامه جماعت می پردازند و در مدرسه مرحوم حاج شیخ محمدعلی نجفی هم به تدریس اشتغال دارند، خصوصاً درس هیئت ایشان بین طلاب معروف است»^۵.

۹- علامه محقق آقای حاج سید حجة موحّد ابطحی می نویسد: «از آثار ارزشمند شخصیت آقا شیخ محمدرضا مسجدشاهی فرزند برومندشان مرحوم

۱. گنجینه دانشمندان، ج ۵، ص ۳۸۶-۳۸۴.

۲. دانشمندان و بزرگان اصفهان، ص ۳۲۹ (ج ۲، ص ۶۲۱).

۳. سوره فتح (۴۸)، ۲۹.

۴. تاریخ علمی و اجتماعی اصفهان در دو قرن اخیر، ج ۳، ص ۱۶۳.

۵. رجال اصفهان، ج ۱، ص ۲۱۵.

آیه‌الله حاج شیخ مجدالدین نجفی ملقب به مجدالعلماء متوفی ۱۴۰۳ قمری می‌باشد که مجتهدی مدرس و عالمی متواضع بودند و از علماء جلیل القدر در حوزه علمیه اصفهان به شمار می‌رفتند و در مدرسه مرحوم حاج شیخ محمدعلی و نیز مسجد نو بازار در رشته‌های فقه و اصول و تفسیر و ریاضی و هیئت تدریس می‌نمودند و شخصیتی جامع کمالات به‌شمار می‌رفتند^۱.

۱۰- و همچنین در معرفی مدرسه آیه‌الله العظمی آقای حاج شیخ محمدعلی نجفی معروف به ثقة‌الاسلام طاب ثراه و مدرسین والامقام آن می‌فرماید: «مدرس و مجتهد بزرگوار مرحوم حاج شیخ مجدالدین نجفی متوفای ۱۴۰۳ قمری که از چهره‌های مشهور و از مدرسین جامع در زمینه فقه و اصول و هیئت و ریاضی بوده‌اند»^۲.

مجالس تدریس و برخی از شاگردان

ایشان از ابتدای جوانی به تدریس اشتغال داشتند و دروس مختلف فقه و اصول و تفسیر و کلام و ریاضی و هیئت را تدریس می‌نمودند. اشتها ایشان به این دو علم اخیر یعنی ریاضی و هیئت به‌گونه‌ای بود که برخی از مدرسین از قم به جهت درس ایشان به اصفهان می‌آمدند.

و تدریس کتاب‌هایی نظیر خلاصه الحساب شیخ بهائی و مجسطی و تحریر اقلیدس و آکر و مانند آن در اصفهان منحصر به ایشان بود.

صاحب این قلم به خوبی به یاد دارم که در یکی از سال‌های پس از فوت معظم له، به جهت استجازه در نقل روایت به محضر آیه‌الله آقای حاج شیخ عباسعلی ادیب اصفهانی رحمته‌الله رسیدم. ایشان با توجه به این که خود علم هیئت را تدریس می‌کرد از مرحوم آیه‌الله مجدالعلماء رحمته‌الله به بزرگی و عظمت یاد نمود و ایشان را در علم هیئت مقدم بر خود دانست و استدلال فرمود که وی هم هیئت

۱. ریشه‌ها و جلوه‌های تشیع و حوزه علمیه اصفهان، ج ۱، ص ۵۱۰.

۲. همان، ج ۲، ص ۱۵۲.

شرح حال مترجم جلد اول به قلم آیة الله نجفی ۳۷

قدیم و هم هیئت جدید هر دو را با هم دارا بود و می دانست، رحمة الله علیهما. دروس ریاضی ایشان ابتدا در مسجد جامع عباسی (امام) تشکیل می شد و پس از آن در مدرسه ملا عبدالله شوشتری در اول بازار و دروس هیئت و تفسیر در مسجد نو بازار منعقد می گردید و درس خارج فقه و اصول ایشان در مدرسه عمویشان مرحوم آیة الله العظمی آقای حاج شیخ محمدعلی نجفی برپا می شد. از آنجا که تدریس ایشان قریب به نیم قرن ادامه پیدا کرد، بسیاری از فضلاء و علمای اصفهان یا اصفهانی یا غیر اصفهانی که برهه ای را در این شهر تحصیل نموده اند از محضر معظم له استفاده علمی نموده اند.

و در ذیل فقط به نام برخی از این آیات به حذف القاب اشاره می شود:

۱- ابراهیم جواهری فرزند محمد اسماعیل کوهپایه ای، مولود غرة جمادی الاولى ۱۳۴۲، صاحب کتاب علوم و عقائد، مطبوع در سال ۱۳۷۲ق؛

۲- سید ابراهیم بن عبدالحسین سید العراقین میرعمادی، متوفی محرم الحرام ۱۴۲۷ق؛

۳- شیخ ابوالقاسم نجف آبادی؛

۴- شیخ ابوالقاسم دهاقانی معروف به صدرالعلماء، متوفی ۱۳۵۴ق؛

۵- دکتر سید احمد تویسرکانی؛

۶- حاج شیخ احمد مهدیان؛

۷- حاج سید احمد مؤمنی حبیب آبادی، مولود ۱۳۲۷ش؛

۸- شیخ احمد روحانی معروف به شیخ الاسلام، مولود ۱۳۱۲ش و متوفی ۸ اسفند ۱۳۸۸ برابر با ۲۲ ربیع الأول ۱۴۳۱ق، مدفون در امامزاده جعفر واقع در خیابان هاتف اصفهان؛

۹- مرحوم آقای حاج سید اکبر مؤمنی حبیب آبادی (۱۳۲۴-۱۳۵۸ش) مدفون در امامزاده عبدالمؤمن واقع در حبیب آباد (ابن عم عنوان ۷ است)؛

۱۰- حاج شیخ اسماعیل غروی ملقب به شیخ الرئيس؛

۱۱- حاج سید اسماعیل هاشمی طالخونچه ای؛

- ۱۲- حاج سید محمدباقر احمدی؛
- ۱۳- حاج سید محمدباقر علوی؛ مولود غره رجب ۱۳۵۲ برابر با ۱۳۱۲ش، مدرس سطوح عالیّه در مدرسه صدر اصفهان.
- ۱۴- علامه محقق آقای حاج سید محمدباقر موحد ابطحی؛
- ۱۵- حاج شیخ محمدباقر آصفی نجف آبادی، متولد ۱۳۰۲ش؛
- ۱۶- مرجع عالیقدر آقای حاج شیخ محمدتقی مجلسی اصفهانی؛
- ۱۷- آقای حاج سید محمدتقی موسوی شفتی، داماد معظم له؛
- ۱۸- سید محمدتقی حجازی، متولد ۱۳۱۹ش، مدرس کتاب مکاسب در حوزه علمیه اصفهان ساکن اصغرآباد؛
- ۱۹- حاج سید حسن حسینی کوشکی، متوفی ۱۳۶۹ش و مدفون در کوشک؛
- ۲۰- مرحوم حاج شیخ حسن دینانی نجف آبادی؛
- ۲۱- مرحوم آقای حاج آقا حسن فقیه امامی، (۱۳۱۳-۱۳۸۹ش/۱۳۵۳-۱۴۳۲ق)؛
- ۲۲- سید حسن مهاجر آدرمنابادی، مولود ۱۳۰۸ش؛
- ۲۳- سید حسن میرلوحی ابن سید محمود، مولود ۱۳۱۵؛
- ۲۴- حاج شیخ حسین فرزند شیخ اسماعیل خادم الذاکرین معروف به خادمی؛ امام جماعت مسجد نورباران اصفهان.
- ۲۵- مرحوم حاج آقا حسین واعظیان سدهی ابن میرزا عبدالأحد؛
- ۲۶- مرجع عالیقدر آقای حاج شیخ حسینعلی منتظری نجف آبادی؛ متوفی ۳ محرم الحرام ۱۴۳۱.
- ۲۷- حاج شیخ حیدرعلی جبل عاملی؛
- ۲۸- آقای حاج شیخ رحمت الله فشارکی، از مدرسین حوزه علمیه قم؛
- ۲۹- دکتر رضا عبداللهی، استاد بازنشسته دانشگاه اصفهان؛
- ۳۰- حاج شیخ محمدرضا مداح الحسینی؛
- ۳۱- آقای حاج شیخ عباس ایزدی نجف آبادی؛
- ۳۲- حاج شیخ عباسعلی معینی گربگندی؛ مولود ۱۳۱۰ش.
- ۳۳- حاج شیخ میرزا عبدالحسین فرزند میرزا محمد ربّانی خوراسگانی، متوفی ۳۱

شرح حال مترجم جلد اول به قلم آیةالله نجفی ۳۹

شهریور ماه ۱۳۸۵، مدفون در حیاط امامزاده ابوالعباس خوراسگان؛

۳۴- حاج شیخ عبدالرحیم فضیلتی؛

۳۵- حاج شیخ عبدالکبیر جعفری، امام جماعت مسجد میرزا باقر؛

۳۶- حاج شیخ علی شمس تویسرکانی؛

۳۷- استاد علی مشفق، صاحب تقویم اوقات شرعی اصفهان؛

۳۸- سید علی موحد ابطحی ابن سید مرتضی؛

۳۹- شیخ علی عبودیت اصفهانی؛

۴۰- حاج شیخ علی محمد اژه‌ای ابن میرزا محمدحسین، متوفی ۱۴۳۲ق = ۱۳۸۹ش؛

۴۱- شیخ علی محمد پورنمازی نجف‌آبادی؛

۴۲- حاج شیخ محمدعلی آقایی؛

۴۳- حاج سید محمدعلی بهشتی‌نژاد ابن حاج آقا رضا، مولود ۱۳۲۴ش؛

۴۴- دکتر محمدعلی لسانی فشارکی، استاد دانشگاه؛

۴۵- حاج سید محمدعلی موسوی درچه‌ای؛

۴۶- سید فضل‌الله بن ضیاءالدین تجویدی، متوفی محرم الحرام ۱۴۲۴ و مدفون در

قبرستان ابوحنسین در قم مقدسه؛

۴۷- سید فضل‌الله موحد ابطحی؛

۴۸- حاج شیخ قاسم کاظمینی؛

۴۹- حاج سید مجتبی موسوی درچه‌ای؛

۵۰- حاج سید مجتبی میردامادی، مولود ۱۳۲۴ش صاحب تفسیر کلمه طیبه؛

۵۱- حاج سید محمد فقیه احمدآبادی؛

۵۲- محمد شهلایی، هم‌بحث آقای سید ابراهیم میرعمادی سید العراقین؛

۵۳- سید محمد میردامادی ابن سید میرزا، مولود ۱۳۲۶ش؛

۵۴- سید محمد میردامادی ابن سید محمد صالح، ساکن سده؛

۵۵- سید محمد میرلوحی ابن سید محمود، مولود ۱۳۱۸ش؛

۵۶- شیخ محمد محزون، استاد فلسفه در حوزه علمیّه اصفهان، متوفی ۱۴۲۹ق؛

۵۷- شیخ محمد نوراللهی نجف‌آبادی؛

- ۵۸- شیخ محمد حکیم الهی، متوفی ۱۴۳۱ق = ۱۳۸۸ش؛
- ۵۹- حاج سید محمود امام جمعه زاده خوراسگانی؛
- ۶۰- حاج شیخ مرتضی تمنایی؛ متوفی ماه مبارک رمضان ۱۴۲۲ و مدفون در مقبره امامزاده سید محمد نزدیک سده.
- ۶۱- حاج شیخ مرتضی شفیعی؛
- ۶۲- آقای حاج شیخ مرتضی مقتدایی؛
- ۶۳- حاج سید مرتضی بن علی اکبر هاشمی، مولود سال ۱۳۶۴ق؛
- ۶۴- سید مرتضی موسوی کوشکی، امام جمعه سابق بروجن و ساوه، مولود ۱۳۱۸ش و متوفی ۱۴۳۱ق؛
- ۶۵- حاج شیخ مسلم داوری دولت آبادی، استاد خارج فقه و اصول حوزه علمیه قم و صاحب آثار و تألیفات متعدده؛
- ۶۶- حاج شیخ مظفر کاظمینی متوفی صفر ۱۴۳۱ق/ بهمن ۱۳۸۸ش؛
- ۶۷- مرحوم حاج شیخ مهدی غیاث الدین مجدالاسلام نجفی^۱، (۱۳۱۵-۱۳۸۰ش/ ۱۳۵۵-۱۴۲۲ق) نجل جلیل آن مرحوم؛
- ۶۸- حاج سید مهدی حجازی شهرضایی، متوفی رجب ۱۴۳۱ق = ۱۳۸۹ش؛
- ۶۹- صاحب این قلم فقیر الی الله تعالی شیخ هادی نجفی، حفید آن مرحوم؛
- ۷۰- سید هدایت الله مسترحمی جرقویه ای اصفهانی، که به دست معظم له معمم گردیده است. مؤلف و محقق کتب متعدده.

تعیین قبله دقیق مصلاهی شهر اصفهان

در هنگام تجدید بنای مسجد مصلی اصفهان که به صورت مصلاهی بزرگ شهر اصفهان در حال ساختمان است، در قبله آن اختلاف شد. همه علما مسأله را به ایشان ارجاع دادند و معظم له به آنجا تشریف برده، با گذاشتن وسایل مورد احتیاج و محاسبات ریاضی و هیئوی، قبله مسجد مصلی اصفهان یا مصلاهی بزرگ

۱. شرح حال ایشان را می‌توانید در کتاب *قبیله عالمان دین*، ص ۱۵۳-۲۰۸ ببینید.

شرح حال مترجم جلد اول به قلم آية الله نجفی ۴۱

شهر اصفهان را با دقت تمام تعیین فرمودند و از آنجا خارج شدند. ایشان بعد از تعیین قبله فرموده بودند: اگر یک خط فرضی راست از این نقطه در داخل مصلى بتوان رسم کرد، مستقیماً به میان کعبه برخورد خواهد نمود.

تألیفات

از معظم له مصنفات و مؤلفاتی به یادگار مانده است که به برخی از آنها اشاره می‌شود:

۱- ایرادات و انتقادات بر دائرة المعارف فرید وجدی

۲- ترجمه «نقد فلسفه داروین» از عربی به فارسی (کتاب حاضر)

این کتاب از والد معظم له آية الله شیخ محمد رضا نجفی طاب ثراه است و به درخواست مؤلف توسط فرزندشان به زبان فارسی ترجمه شد. ترجمه سلیس و روان و زیبا انجام گرفته است و قسمتی از آن توسط آقای استادی در سی مقاله، ص ۳۴۱ معرفی و به چاپ رسیده است.

۳- حاشیه روضات الجنات

برخی از آن با حاشیه والدشان بر روضات در اغلاط الروضات به طبع رسیده است و قسمتی دیگر از آن همچنان مخطوط است.

۴- حاشیه سمط اللال فی مسألتي الوضع والاستعمال

به همراه متن کتاب در سال ۱۴۱۳ق در قم مقدسه توسط مؤسسه آل البيت علیه السلام چاپ و منتشر گردید.

۵- حاشیه وقایة الأذهان

به همراه متن کتاب در سال ۱۴۱۳ق در قم مقدسه توسط مؤسسه آل البيت علیه السلام چاپ و منتشر گردید.

۶- دروس فی فقه الإمامية (کتاب الصلاة و کتاب الصوم)

این کتاب متن دروس بحث خارج فقه ایشان است که بر فضلاء و علماء در

القاء می‌گردیده و توسط معظم له ثبت و ضبط شده است.

۷- مقدمه بر تفسیر مجدالبیان

که رساله‌ای است در شرح حال جدّشان آیة‌الله آقای حاج شیخ محمدحسین نجفی اصفهانی صاحب تفسیر *مجدالبیان* و قرار بود به عنوان مقدمه تفسیر قرار گیرد که چنین نشد، لکن متن آن در دفتر پنجم میراث حوزه اصفهان، ص ۶۰۸-۶۰۱ با تحقیق حجة الاسلام مجید هادی‌زاده منتشر گردید و همچنین ترجمه آن در مقدمه ترجمه تفسیر *مجدالبیان* به قلم حجة الاسلام والمسلمین آقای حاج سید مهدی حائری قزوینی در سال ۱۳۹۱ش به چاپ رسید.

۸- رساله‌ای در احوالات والدشان آیة‌الله ابوالمجد شیخ محمدرضا نجفی اصفهانی

که در مقدمه رساله *امجدیه*، ص ۵، طبع سوم منتشر شده است.

۹- رساله‌ای در احوالات و شرح حال خودشان

که در مقدمات رساله *امجدیه*، ص ۱۳ با اضافاتی به طبع رسیده است.

۱۰- صرف افعال

رساله‌ای است که در کودکی در علم صرف تدوین نموده‌اند.

۱۱- الفوائد الرضویة فی شرح الفصول الغرویة

در هنگامی که در نزد والدشان مشغول قرائت کتاب *فصول* عمویشان مرحوم آیة‌الله حاج شیخ محمدحسین اصفهانی حائری رحمته در علم اصول بوده‌اند، این حواشی را بر *فصول* زده، تحت این نام تنظیم فرموده‌اند.

۱۲- گل گلشن

گلشن راز از سروده‌های شیخ محمود شبستری عارف و شاعر مشهور است. معظم له *گلشن راز* را تحت این نام تلخیص نموده‌اند که در دفتر دوم میراث حوزه اصفهان، ص ۴۳۱-۳۹۱ به تحقیق آقای جويا جهانبخش منتشر شد.

۱۳- المختار من القصائد و الأشعار

در سال ۱۴۰۹ به تحقیق علامه محقق حجة الاسلام والمسلمین آقای حاج سید

شرح حال مترجم جلد اول به قلم آیةالله نجفی ۴۳

احمد حسینی اشکوری در قم مقدسه به طبع رسید.

۱۴- الیواقیت الحسان فی تفسیر سورة الرحمن

در همان سال ۱۴۰۹ به تحقیق صاحب این قلم و به همراه شرح حالی مبسوط از ایشان و مقدمه‌ای از آیةالله والد طاب ثراه، در قم مقدسه با عنوان قبلی در یک مجلد به طبع رسید.

نمونه‌ای از اشعار

اشعار فراوانی از حفظ داشتند و به مناسبت قرائت می‌کردند و خودشان نیز گاهی شعر می‌سرودند. نمونه‌هایی از اشعار ایشان چند بیت زیر است که از کتاب *المختار من القصائد والأشعار* و برخی دیگر از مؤلفات معظم له استخراج گردیده است.

اگر در مکان بود عزّ و خوشی	همیشه بدی شمس اندر حَمَل
اگر برتری جست پست‌تر ز من	مرا اسوه باشد به شمس و زحل
یگانه رجل در جهان آن کس است	که تعویل نارد به دیگر رجل
همانا وفا رفت و غدر آمده است	مسافت بود بین قول و عمل ^۱

امامت جماعت

بعد از ارتحال والد ماجدشان رسماً امامت جماعت مسجد نو بازار را بر عهده گرفتند و این وظیفه را تا موقع وفات ۲۰ ذی الحجة ۱۴۰۳ق، یعنی بیشتر از ۴۰ سال، به احسن وجه به انجام رساندند.

مرحوم علامه مهدوی در مورد امامت جماعت ایشان می‌نویسد:

مرحوم مجدالعلماء از سالی که پدر بزرگوارش وفات یافت (۱۳۶۲ق) تا موقع وفات، به غیر از ایام مسافرت، ظهر و شب در مسجد نو بازار اقامه

۱. *المختار من القصائد والأشعار*، ص ۲۴ و ۲۵ [که ترجمه چهار بیت از لامیه العجم طغرائی است؛ و بیت نخست ترجمه بیت ذیل است: لو کان فی شرف المأوی بلوغ مئی/لم تبرح الشمس يوماً دارة الحمل (زاهد)].

جماعت نموده و عده‌ای از مؤمنین و مقدسین به نماز ایشان حاضر شده و به فیض و ثواب نائل می‌شدند؛ بالاخص در ایام ماه مبارک رمضان که نماز جماعت مسجد نو و منبر واعظین آنجا عنوان و شهرتی داشت و مردم از عموم محلات بدان جا رفته و در نماز و استفاده از مواعظ شرکت می‌نمودند.^۱

و در جلد دیگری از کتابش چنین می‌نگارد:

تزئینات مسجد (یعنی مسجد نو) از حیث کاشی‌کاری تا این اواخر ناقص بود؛ و در سال‌های اخیر در زمان امامت مرحوم مجدالعلماء قسمت عمده‌ی نمای مسجد قسمت جنوبی و غربی به بهترین صورت کاشی‌کاری شده و خود مرحوم مجدالعلماء نیز در ایوان کوچک شمالی مدفون گردید رحمه الله علیه.^۲

بعد از ارتحال مرحوم آیه الله آقای حاج شیخ مهدی نجفی مسجدشاهی^۳ در شب یک‌شنبه پنجم ماه صفر سال ۱۳۹۳ق در اصفهان، که نماز بر جنازه معظم له نیز توسط آیه الله مجدالعلماء نجفی طاب ثراه اقامه گردید، اقامه جماعت در مسجد جامع عباسی (امام) را نیز به عهده می‌گیرند و آن را نیز تا پایان عمر بابرکشان ادامه یافت.

متذکر می‌گردیم که امامت مسجد جامع عباسی (امام) از اندکی بعد از زمان ورود جدّ اعلایشان مرحوم آیه الله العظمی آقای شیخ محمدتقی رازی نجفی اصفهانی صاحب هدایه/المسترشدین به اصفهان، یعنی قبل از سال ۱۲۲۵ق تاکنون که سال ۱۴۳۴ق است، بیش از دو قرن است که برعهده این بیت جلیل می‌باشد؛ و به همین مناسبت - یعنی: امامت در این مسجد - به این خانواده اطلاق «مسجدشاهی» می‌شده است.

۱. تاریخ علمی و اجتماعی اصفهان در دو قرن اخیر، ج ۲، ص ۴۱۸.

۲. همان، ج ۳، ص ۳۲۱.

۳. شرح حال این اسوه تقوی و فضیلت را می‌توانید در تاریخ علمی و اجتماعی اصفهان در دو قرن اخیر، ج ۳، ص ۱۷۰، و مقدمه صاحب این قلم بر کتابش أساور من ذهب در شرح حال حضرت زینب (علیها السلام) بیابید.

اخلاق و مردم‌داری

معظم له مؤدّب به اخلاق اسلامی و آداب قرآنی متخلق بودند و در این راه از رسول الله ﷺ و ائمه معصومین علیهم السلام پیروی می‌کردند. ایشان در رفع قضاء حوائج عامه و به خصوص اهل علم و طلاب علوم دینیّه و فضلا به قدر توان خویش کوشا بودند.

اکنون که بیش از سی سال از فوت آن مرحوم سپری شده است، عده‌ای از مردم و کسبه و فقرا و طلاب و اهل علم نوع برخوردهای خوب ایشان را برای حقیر نقل نموده و از وی به بزرگی و عظمت یاد می‌نمایند و برای ایشان طلب رحمت و مغفرت می‌کنند، حشره الله تعالی مع أولیائه محمد وآله علیهم السلام.

همسر

همسر ایشان: علویه حاجیه خانم زینت آغا (درگذشته به سال ۱۳۴۷ش) بنت مرحوم آیه‌الله آقای سید محمدهادی ابن سید عبدالوهاب صدرالعلماء حسینی شمس‌آبادی اصفهانی است.

مرحوم صدرالعلماء عالمی غیور و فاضل و جامع و متنفذ در اصفهان و خصوصاً محلّه شمس‌آباد بود. وی مسجدی در محلّه شمس‌آباد در کوچه حاج زرگرباشی ساخت و در آنجا نیز تا آخر حیات به جماعت پرداخت. آن مسجد نیز اکنون به نام خود ایشان به مسجد صدرالعلماء شهرت دارد. شجره‌نامه آن مرحوم به قرار ذیل است:

سید محمدهادی بن عبدالوهاب بن محمد بن مهدی بن محمد بن علی بن ابی‌القاسم بن مؤمن بن حسین بن عباد بن طاهر ملقب به ابی‌الفتح بن حبیب‌الله ابن حسین بن غیاث ملقب به غیاث الاسلام بن محمد بن شمس‌الدین بن حبیب‌الله بن باقر بن نجیب‌الدین بن محمد بن ناصر ملقب به ناصرالدین بن مرتضی بن علی بن حسین بن پادشا بن حسن بن پادشا بن عبدالله بن عقیل بن ابی‌طالب بن حسین بن جعفر بن محمد ابن ابی‌جعفر محمد سید الاکبر بن

ابی محمد حسن ابن ابی عبدالله حسین الاصر ابن سید الساجدین زین العابدین علی ابن ابی عبدالله الحسین الشہید ابن امیر المؤمنین علی بن ابی طالب علیه السلام آية الله سید محمد هادی صدر العلماء بعد از یک عمر تلاش و خدمت به مذهب و شریعت و قضاء حوائج عامه خصوصاً در دوران استبداد رضاخانی، در سال ۱۳۲۱ش در اصفهان چشم از جهان فانی بست و پیکرش با تشیع شایسته‌ای در مقبره خانوادگیش در تخت فولاد اصفهان جنب تکیه آقا حسین خوانساری که به نام خود ایشان تکیه صدر العلماء یا صدر هاشمی نیز نامیده می‌شود مدفون گردید، رحمة الله علیه.

فرزندان

مرحوم آية الله مجد العلماء نجفی طاب ثراه دارای ۹ فرزند بودند: پنج دختر که همگی ازدواج کردند و خود صاحب فرزندان و نوادگان متعدد هستند و چهار فرزند ذکور:

۱- آية الله حاج شیخ مهدی غیاث الدین مجد الاسلام نجفی (۱۳۵۵-۱۴۲۲ق) برابر با (۱۳۱۵-۱۳۸۰ش) علیه السلام؛

۲- جناب آقای مهندس محمد رضا نجفی حفظه الله تعالی، مولود ۱۳۲۳ش؛

۳- جناب آقای دکتر محمد نجفی حفظه الله تعالی، مولود ۱۳۳۰ش؛

۴- حسین نجفی که در طفولیت در سال ۱۳۳۲ش از دنیا رفته است و در تکیه صدر العلماء جنب مادرش مدفون است.

وفات و تشییع و مدفن

معظم له با این که همواره ساکن اصفهان بودند، ولی چند روز قبل از ارتحالشان به قصد معالجه چشم‌هایشان که یکی از آنها به کلی نابینا و دیگری نیز فقط شبکی را می‌دید به تهران مسافرت کرده بودند؛ لذا ارتحالشان نیز در منزل دخترشان در قلعهک تهران در صبح روز چهارشنبه ۲۰ ذی الحجة الحرام ۱۴۰۳ق برابر با ۶ مهرماه ۱۳۶۲ش واقع گردید.

شرح حال مترجم جلد اول به قلم آیه‌الله نجفی ۴۷

جسم مطهر صبح روز پنج‌شنبه به اصفهان رسید. بازار شهر اصفهان به احترام ارتحال این عالم ربانی یکسره تعطیل و سیاهپوش گردید. مردم دسته دسته به طرف منزل ایشان حرکت نمودند. جنازه در منزل مسکونی ایشان واقع در پشت میدان نقش جهان (امام) غسل داده شده و با انبوه مشیّعین از منزل به مسجد جامع عباسی (امام) و از آنجا تا مسجد نو بازار تشیعی شایسته گردید. در مسجد نو بازار مرحوم آیه‌الله آقای حاج شیخ حیدرعلی محقق^۱ (۱۳۲۶-۱۴۲۱ق) بر ایشان نماز خواند و همان جا در ایوان شمال شرقی به خاک سپرده شدند.

انعکاس اخبار ارتحال و مجالس ترحیم

خبر ارتحال مرحوم آیه‌الله مجدالعلماء نجفی طاب ثراه از رادیو و تلویزیون مرکزی و استانی پخش شد و در صفحات اول برخی از روزنامه‌ها و جرائد کثیرالانتشار وقت نیز درج گردید و در تمام ایران بالخصوص در اصفهان موجب غم و اندوه فراوان گردید. مجالس ترحیم در مساجد مختلف برپا گردید و مردم عزادار دسته دسته برای عرض تسلیت به بقیةالله الأعظم^{علیه السلام} در مجالس شرکت می‌کردند.

به همین مناسبت از سوی همه مراجع تقلید وقت از نجف اشرف و تهران و قم مقدسه و مشهد مقدس پیام‌های تسلیتی برای فرزند گرامی ایشان و بیت معظم له واصل گردید و همچنین نمایندگانی جهت شرکت در این مراسم اعزام و ارسال گردیدند که تفصیل آن وقایع و ذکر آن، خود دفتری دیگر را می‌طلبد.

مراثی و ماده تاریخ

جمعی از علماء و شعراء بعد از ارتحال معظم له اشعاری را در رثاء و ماده تاریخ ایشان به زبان فارسی و عربی سرودند که به برخی از آنها اشاره می‌شود:

۱. شرح حال وی را در کتاب قبيلة عالمان دین، ص ۱۴۵-۱۴۸ ببینید.

۱- آیه‌الله آقای حاج سید مجتبی میرمحمد صادقی طاب ثراه متوفی ۱۳۷۸/۱/۱۶ برابر با عید غدیر ۱۴۱۹ و مدفون در امامزاده نرمی دولت‌آباد در ابیات چنین سرود:

لهفی لموت البطل العلیم ذی المجد ثمّ الحسب القدیم
أف لدهرٍ یقتطف ثمر الهدی من دوحة العلم ذی النسب الکریم
فأردتُ أن أورخ عام وفاته لیكون تذکرة الأخلاف والحمیم
ألحق إلى المجموع سبعا ثمّ قل «نرجو لمجد العلم مثوی فی النعیم»
(۱۳۶۲ ه. ش)

۲- استاد ادیب آقای علی مظاهری^۱ در این مرثیت سرود:

مجدالعلما و مجد دین رفت آن عالم عالم یقین رفت
آن مظهر زهد و پارسایی آن رهبر راه راستین رفت
از مجمع عالمان معلّم از حلقه زاهدان نگین رفت
محراب‌نشین مسجد نو بر منبر عرش از زمین رفت
آن دم که از این جهان به جنت آن پاک‌نهاد پاک‌بین رفت
تاریخ وفات او رقم شد «رونق‌ده علم و حصن دین رفت»
(۱۳۶۲ ه. ش)

و مصراع اخیر که شامل ماده تاریخ است را استاد ادیب آقای سید قدرت‌الله هاتفی^۲ سروده‌اند.

در ضمن، این اشعار بر روی سنگی که بر بالای سر مزار مرحوم آیه‌الله مجدالعلماء نجفی طاب ثراه نصب شده منقور است.

۳- شاعر توانا و استاد ادیب آقای حاج میرزا فضل‌الله خان اعتمادی خوئی

۱. شرح حال استاد علی مظاهری را می‌توانید در کتاب *تذکره شعرای استان اصفهان*، ص ۶۷۷ ببینید. وی در سه‌شنبه ۷ جمادی الاولی ۱۴۲۹ برابر با ۲۴ اردیبهشت ۱۳۸۷ به دیار باقی شتافت و در باغ رضوان اصفهان مدفون شد. رحمه الله علیه.
۲. شرح حال وی را می‌توانید در کتاب *تذکره شعرای استان اصفهان*، ص ۷۷۵ ببینید.

شرح حال مترجم جلد اول به قلم آیةالله نجفی ۴۹

متخلص به برنا در مرثیه و ماده تاریخ معظم له گوید:

مجدالعلماء که مجد دین نامش بود

حبّ حقّ و حبّ دین می جامش بود

آن حبر که کسب فضل و تدریس علوم

رسم و روش و سیرت مادامش بود

آن عالم عاملی که روحانیت

سنخیت خاندان و اقوامش بود

آن مجتهد مسلمی کاندلر فقه

دارای اجازات ز اعظامش بود

هم زاده از کیای دانش بابش

هم وارث رهبران دین مامش بود

هم حبّ بتول و مرتضی داشت به دل

هم حامی مصطفی و اسلامش بود

مهر حسن و حسین و اولاد حسین

چون جان و روان به جسم و اندامش بود

در بندگی خدا لیالیش گذشت

تعلیم و هدایت کار ایامش بود

در هر عمل خیر که می کرد قیام

کوشا ز دل و جان پی اتمامش بود

نه فکر فریب خلق در سر پرورد

نه میل به پیروی اوهامش بود

نه ظلم و ستم کسی در اعمالش دید

نه نقص و خلاف و غش در احکامش بود

هر جا که شدی ز کثرت حسن سلوک

هر کس پی احترام و اکرامش بود

گفت ارجعی دعوت حق را لبیک
چون وقت فراخواندن و اعزامش بود
برنا پی تاریخ وفاتش بنوشت
بیتی که به شمسی جمع ارقامش بود
«مجدالعلماء که مجد دین نامش بود
حبّ حق و حبّ دین می جامش بود»
(۱۳۶۲ ه. ش)

۴- همچنین استاد برنا در مرثیه و ماده تاریخ معظم له به سال هجری قمری
چنین سروده‌اند:
عالم آگاه از معقول و منقول علوم
اوستاد فقه و تفسیر و احادیث و نجوم
بوغیث ابن رضای فحل مجد عالمان
دین حق را ناشر احکام و حامی رسوم
حاجی آقا شیخ مجدالدین علامّ فهیم
از جهان شد جانب جانان و آسود از غموم
آن که جدّ جدّ و باب جدّ و والدش
بوده‌اند از عالمان نامی این مرز و بوم
آن که در او جمع آمد ز اکتساب و انتساب
بر مقام مقتدایی هر چه را بودی لزوم
آن که در راه هدایت بود درس و بحث او
مشعلی تابان علیه کفر و الحاد و ظلوم
آن که مشهور و مکرم بود در بین خواص
آن که معروف و معزّز بود در نزد عموم

شرح حال مترجم جلد اول به قلم آیةالله نجفی ۵۱

شد مکین مأمن معبود زین دار المحن

رو سوی روضات عقبا کرد زین دار الهموم

دوستانش سال فوتش را به ابجد خواستند

تا شود معلوم در مصراعى از جمع رقوم

خامۀ برنا پی تاریخ فوت او نوشت

«بوده مجدالدین معین شرع قرآن و علوم»

(۱۴۰۳ق)

«بود مجدالدین معین شرع و قرآن و علوم»^۱

(۱۴۰۳ق)^۲

۵- مرحوم استاد اکبر جمشیدی^۳ نیز جهت ایشان مرثیۀ ذیل را گفته‌اند:

عالمی چون بگذرد از روزگار	عالمی گریان شود بی‌اختیار
از وجود عالمان دین بود	نظم این گردنده گیتی برقرار
هر که شد با عالمان دین قرین	شد به دور زندگانی کامکار
ملت ایران از این دانشوران	یافت در دور جهانی اقتدار

۱. تاریخ علمی و اجتماعی اصفهان در دو قرن اخیر، ج ۳، ص ۳۷۷.

۲. در ماده تاریخ اول «آ» در کلمۀ «قرآن»، ۲ محاسبه شده است و در ماده تاریخ دوم همین «آ» در کلمۀ «قرآن»، ۱ محاسبه شده؛ چون بین اهل نظر در حرف «آ» خلاف است. برخی آن را ۱ و برخی آن را ۲ محاسبه می‌کنند و این دو ماده تاریخ بر اساس هر دو محاسبه تنظیم شده است. از افادات استاد اعتمادی متخلص به برنادر^۴.

۳. استاد جمشیدی معلّم کلاس اول دبستان نگارنده این سطور است و چون به او خواندن و نوشتن آموخته بر گردن وی حقوقی واجب دارد. از مجموعه شعرش کتاب‌های برهنه خوشحال و لبخند در اصفهان، و شلوغ و پلوغ در تهران به چاپ رسید. او مردی شوخ طبع بود و اشعاری شیوا و نغز با لهجۀ خاص اصفهانی می‌سرود. سرانجام این معلّم فرهیخته در روز پنج‌شنبه یازدهم اردیبهشت ۱۳۸۲ برابر با بیست و هشتم ماه صفر ۱۴۲۴ در سن ۸۰ سالگی به دیار باقی شتافت و در باغ رضوان اصفهان در خاک آرمید. از او در کتاب تذکرۀ شعرای معاصر اصفهان ص ۱۴۲ رقم ۱۱۴ یاد شده است. برای او و همه معلّمان و اساتیدم از خداوند غفور طلب مغفرت دارم.

رهبران دین ز جانبازی خویش	خوش برآوردند از دشمن دمار
مجد دین مجد شرف مجد کمال	بود عمری در ره حق استوار
تا که از جمع عزیزان شد جدا	قلب اهل دین شد از غم داغدار
گر چه آن بحر کمال و معرفت	رفته او از عالم ناپایدار
مانده از او شاخه‌های بارور	در جهان علم و دانش یادگار
این مصیبت را به اهل علم و دین	خاصه بر آن رهبر والاتبّار
تسلّیت گوئیم و داریم آرزو	عمرشان باشد به گیتی پایدار
خاندانش را بخواهم تا ابد	در پناه حضرت پروردگار ^۱

سطور پایانی این اوراق به رسم تبرک و تیمّن در حرم مطهر شمس الشموس و
 أنیس النفوس ثامن الحجج حضرت امام علی بن موسی الرضا علیه آلاف التحية و الثناء
 در تاریخ چهارشنبه ۸ جمادی الأولى ۱۴۳۴ برابر با ۳۰ اسفند ۱۳۹۱ در مشهد
 مقدس به خامه این حقیر هادی ابن شیخ مهدی ابن شیخ مجدالدین (مترجم جلد
 اوّل کتاب حاضر) ابن شیخ محمّدرضا نجفی اصفهانی (مؤلف کتاب حاضر) به
 نگارش درآمد.

والحمد لله رب العالمین والحمد لله أولاً و آخراً و ظاهراً و باطناً و صلی الله علی محمد وآله
 الطّیین الطاهریّن المعصومین.

۱. البیواقیت الحسان فی سورة الرحمن، مقدمه، ص ۲۸.

مصادر شرح حال

شرح حال ایشان به قلم خودشان که با تغییرات مناسب بعد از ارتحالشان در

رساله امجدیه، ص ۱۱-۳۴، طبع سوم، به چاپ رسیده است:

- | | |
|--|---|
| - تاریخ علمی و اجتماعی اصفهان در دو قرن اخیر، ج ۳، ص ۱۶۴-۱۶۸ و ج ۲، ص ۴۱۷-۴۲۵ | - قبیله عالمان دین، ص ۱۵۲-۱۱۷ |
| - انقلاب اسلامی به روایت اسناد ساواک (استان اصفهان)، کتاب دوم، ص ۵۸ و ۵۹ | - وقایع الأذهان، ص ۴۳-۵۰، طبع مؤسسه آل البيت <small>علیه السلام</small> |
| - مستدرک دانشمندان و بزرگان اصفهان، ج ۲، ص ۱۰۸۱ | - رجال اصفهان، دکتر کتابی، ج ۱، ص ۲۱۵ |
| - نقباء البشر، ج ۲، ص ۷۵۳ | - ریشه‌ها و جلوه‌های تشیع و حوزه علمیه اصفهان، ج ۱، ص ۵۱۰ و ج ۲، ص ۱۵۲ |
| - روزنامه عرفان، فروردین ماه ۱۳۲۲ هـ.ش، به قلم مرحوم معلّم حبیب آبادی | - حاج آقا نورالله اصفهانی ستاره اصفهان، ص ۱۲۱، تألیف آقای عباس عبیری، متوفی ۹ دی ماه ۱۳۸۲ ش |
| - مکارم الآثار، ج ۴، ص ۱۰۹۶ | - اندیشه سیاسی و تاریخ نهضت بیدارگران حاج آقا نورالله اصفهانی، ص ۳۴۰، تألیف آقای دکتر موسی نجفی |
| - دانشمندان و بزرگان اصفهان، ص ۳۲۹ | - مقدمه رساله امجدیه، ص ۱۹، طبع چهارم، از صاحب این قلم |
| - گنجینه دانشمندان، ج ۵، ص ۳۸۴-۳۸۶ | - مزارات اصفهان، ص ۳۴۲ |
| - الیواقیت الحسان فی تفسیر سورة الرحمن، ص ۱۶-۳۲ | - مقدمه رساله امجدیه، ص ۱۱-۳۴، طبع سوم، که به عنوان یکمین سالگرد ارتحال معظم له تنظیم گردیده است. |
| - طبقات مفسران شیعه، ص ۹۸۸، رقم ۱۰۰۸ و ۱۰۰۰، رقم ۱۰۴۴، تألیف دکتر عبدالرحیم عقیقی بخشایشی، چاپ سوم، سال ۱۳۸۲ | - فرازی از زندگانی سیاسی حاج آقا نورالله اصفهانی به روایت اسناد، ص ۵۳ |
| - گلشن اهل سلوک، تألیف رحیم قاسمی، ص ۱۴۱ | - شیخ محمدتقی نجفی اصفهانی و خاندانش، تألیف رحیم قاسمی، ص ۷۴۹ |
| - سی مقاله‌ی آقای استادی، ص ۳۴۳ | - نامه‌های ناموران، ص ۴۹۴-۵۰۲ |
| - شعرای حوزه علمیه اصفهان، تألیف سید محمدعلی بهشتی‌نژاد، ص ۵۴۴ | |